

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۴۳

۱۵ مرداد ۱۴۰۳

۱۵ اوت ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

پیرامون قطعنامه در مورد جنبش کارگری

متن گفتگو با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر در برنامه تلویزیونی خط رفاه، صفحه ۲



فوج کارگران معترض واگن پارس در خیابانهای اراک - صفحه ۷

اعتراض صدها نفره کارگران در روز عزای حکومت- مهران محبی صفحه ۸

ترور هنیه و فضای سیاسی در ایران

سوال از شهلا دانشفر، صفحه ۵

وقتی طبقه کارگر دیگر "قشر آسیب پذیر" نیست

یاشار سهندی، صفحه ۶

آخرین خبرها از اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت صفحه ۷

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و شرکت فلات قاره در

لاوان صفحه ۵

اعتراضات معلمان خرید خدمت، کشاورزان اصفهان، و ادامه اعتراضات کارگران نفت، صفحه ۱۳

۹ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران فولاد شادگان و چند خبر دیگر صفحه ۱۱

کارزار حمایت از شریفه محمدی و سایر محکومین به اعدام هر روز گسترده تر میشود صفحه ۱۱

تجمع کارگران کارخانه واگن پارس، پرستاران و کشاورزان خوراسگان صفحه ۱۷

تجمعات بازنشستگان در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه، تهران و چند خبر دیگر صفحه ۱۵

کارزار حمایت از شریفه محمدی، پخشاش عزیزی و سایر محکومین به اعدام، صفحه ۱۶

تجمعات اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف صفحه ۱۶

از مدیای اجتماعی:

بیانیه مشترک تشکل های دانشجویی سراسر کشور، صفحه ۱۷

سه شنبه های اعتراض علیه اعدام: پیوستن زندانیان زندان شیراز به کارزار، صفحه ۱۸

از شروین خواننده محبوب
انقلابمان دفاع کنیم!

صفحه ۱۳

مقابله با "افغان ستیزی"،

سمت درست مبارزه طبقاتی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

صفحه ۹

کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم کننده کارگر

کمونیست، صفحه ۱۲

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۴

گسترش اعتراضات

پرستاران، تحصن کشاورزان

خوراسگان اصفهان و دو خبر

دیگر

صفحه ۱۰



پیرامون قطعنامه در مورد جنبش کارگری

گفتگو با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر در برنامه تلویزیونی متن
خط رفاه

حسن صالحی: بینندگان عزیز! سلامهای گرم و صمیمانه ما را بپذیرید. به برنامه خط رفاه خوش آمدید. این هفته می‌خواهیم در مورد یکی از مصوبات کنگره حزب کمونیست کارگری صحبت کنیم. قطعنامه ای در مورد جنبش کارگری. همانطور که میدانید کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری در خردادماه برگزار شد و مصوبات و تصمیمات متعددی داشت و یکی از این مصوبات قطعنامه ای در مورد جنبش کارگری بود. در این رابطه با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر بحث و گفتگو میکنیم.

اجازه بدهید با شما کاظم نیکخواه شروع کنم. در بند اول این قطعنامه به نقش تعیین کننده طبقه کارگر در تحولات سیاسی و اجتماعی در سپهر سیاسی جامعه تاکید میشود. این نقش تعیین کننده را شما چگونه توضیح میدهید؟

کاظم نیکخواه: با درود به شما. این مساله مهمی است. گرچه بسیار واضح و بدیهی است که طبقه کارگر از هر نظر نقش تعیین کننده ای در جامعه دارد. از نظر تعداد، اکثریت جمعیت را طبقه کارگر تشکیل میدهد. کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بخشهای زحمتکش و کارکن جامعه، اینها و طبعاً به همراه خانواده هایشان اکثریت بالای مردم جامعه را تشکیل میدهند. و این یک حقیقت بسیار مهم و قابل توجه است. در عین حال از نظر اقتصادی گلوگاه جامعه، گلوگاه کل سیستم اقتصادی و اجتماعی در دست کارگران است. شما در طول تاریخ هیچ طبقه ای را که اینچنین نقش حیاتی در اقتصاد داشته باشد و نبض اقتصاد را در دست داشته باشد نمی بینید. در عین حال جنبه مشخصتری که اینجا در این قطعنامه مورد اشاره قرار گرفته و این قطعنامه می‌خواهد توجه را به آن جلب کند اینست که بطور مشخص امروز یعنی در این سالها و همه سالهای اخیر، در اوضاع سیاسی ایران کارگران نقش بسیار بارز و تعیین کننده ای داشته اند. برای نمونه الان شاهد اعتصابات کارگران نفت هستیم که بسیار وسیع است و فراگیر است و مدتهاست متحدهانه دارد به پیش میرود. مدتی قبلاً کارگران فولاد در اعتصاب و اعتراض بودند و فضای اعتراضی آنجا هم حاکم است. پرستاران و معلمان در همین یکی دو سال گذشته اعتراضات و تجمعات و اعتصابات گسترده ای داشته اند. می‌خواهم بگویم این اعتصابات و اعتراضات جنبش اعتراضی را در جامعه زنده نگه داشته است. یعنی فضای اعتراضی جامعه را، نبض اعتراضی جامعه را اعتراضات بخشهای مختلف طبقه کارگر تعیین میکند و روی آن تاثیر میگذارد و جلو میبرد. و از این نظر بسیار مهم است. خواستهایی که کارگران مطرح میکنند نیز خواستهایی پیشرو و مهم است. مثلاً درمان رایگان، تحصیل رایگان، مقابله با امنیتی کردن مبارزات، دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق اعتراض، دفاع از آزادی بیان، همه اینها جایگاه ویژه و پیشرو کارگران را نشان میدهد. از جنبه های مختلفی میشود نگاه کرد که کارگران چه نقش مهم و بارزی در اوضاع سیاسی ایران دارند. این قطعنامه می‌خواهد در وهله اول توجه را به این جایگاه و وضعیت بارز در جامعه جلب کند که بشود بر این اساس حرکت کرد. بر این اساس قطعنامه استنتاجاتی میکند در جهت پیشرویهای بیشتر، در جهت اتحاد بیشتر جامعه، در جهت متحقق شدن خواستههای اساسی ای که مردم دارند برای آنها مبارزه میکنند و اساس آن سرنگونی جمهوری اسلامی، رسیدن به یک جامعه انسانی و آزاد و برابر است. بهر حال این تاکید مقدماتی در این جهت است و در ادامه روی خواستههای مشخصتری روی جنبه های مشخصتری تاکید میشود.

حسن صالحی: در این قطعنامه یک اشاره ای شده به دستاوردهای جنبش کارگری بخصوص بعد از تحولاتی که انقلاب زن زندگی آزادی که ۱۴۰۱ شروع شد، داشته

است. این دستاوردها از نظر شما چه هستند؟

شهلا دانشفر: کاظم نیکخواه از جایگاه تحول بخش جنبش کارگری صحبت کردند. کارگر و طبقه کارگر نقش به ریشه های این سیستم سرپا تبعیض و نابرابری است. بخاطر اینکه می‌خواهد ستم نباشد. می‌خواهد استثمار نباشد. به همین دلیل با عروج جنبش کارگری گرایش‌ها راست کنار زده میشود و با خودش گرایش‌ها رادیکال، پیشرو و حتی تحزب را جلو می‌آورد. و این روند جامعه را نیز به سمت رادیکال شدن و بطرف نشانه رفتن به کل آن بساط تبعیض و نابرابری میبرد. ما می بینیم که جنبش کارگری خودش یک پایه محکم منشور خواستههای حداقلی بیست شکل است که اعلام کرد که ما می‌خواهیم به صد سال بربریت و ستم و استثمار پایان دهیم. می‌خواهیم نقطه پایانی بر حاکمیت از بالای سر مردم بگذاریم. بر شوراها تاکید میکند و خواستهایی بنیادی را در دستور میگذارد. و یا از نظر مبارزاتی که به جنبش کارگری نگاه میکنید یک نمونه برجسته اش اعتراضات بازنشستگان است که می بینید یک فاکتور بسیار مهمی در داغ نگاهداشتن فضای سیاسی جامعه بوده است. بازنشستگان نقش موثری در تحرك سیاسی در مناطق و شهرهای مختلف و اعتراضات خیابانی داشته اند. و اساسی ترین، محورین ترین مسایل سیاسی روز را جلو آورده اند و صدای اعتراض کل جامعه بوده اند. معلمان را در مقاطع مختلف مبارزیشان در همین ظرفیت می بینیم که نقش ایفا کرده اند. همینطور کارگران نفت و اعتصابات که دارند. جنبش کارگران نفت با مطالباتی مثل حذف پیمانکاران اساسی ترین ساختار سیاسی- اقتصادی حاکم در این مرکز کلیدی را به مصاف میگیرد. و وقتی از خواست افزایش دستمزدها صحبت میکند استاندارد و سطح توقع جامعه را برای این خواستها بالا میبرد. بعلاوه اینکه مبارزه در نفت این مرکز کلیدی کارگری به توازن قوای سیاسی جامعه قدرت میبخشد. و اینها همه دستاوردهای جنبش کارگری است که ما در قطعنامه به آن اشاره کرده ایم و مورد تاکید قرار گرفته است. از طرف دیگر جنبش کارگری در زمینه سازماندهی نیز قدمهای خوبی به جلو برداشته است. که الگو بدست میدهد هم برای بخش های مختلف نفت و هم کل جنبش کارگری و بخش های مختلف معرض جامعه. تشکلهایی مثل شوراهای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث و یا شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و یا شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان پیشرویهایی از این دست هستند. همچنین تشکلهایی که جلوتر یعنی قبل از انقلاب زن زندگی آزادی شکل گرفتند و خود این تشکلهای نیز در واقع دستاوردهای جنبش کارگری در برابر حکومتی بوده اند که هر حرکتی در این جهت را تلاش کرده سرکوب کند و انجام آن برای کارگران هزینه داشته است. ولی شاهد بودیم که کارگر اعلام کرد و گفت که ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است و برای ایجاد آن تلاشها شد. و یا جنبش کارگری مبتکر کارزارهای مبارزاتی ای چون اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات بود. و گفتمانهای جدید و بنیادی تری را با خود به جلو آورد. از این زاویه هم اگر نگاه کنید. اینها پیشرویهایی مهمی در جنبش کارگری است. به لحاظ اتحاد طبقاتی مبارزات کارگری



پیرامون قطعه‌نامه در مورد ...

از صفحه ۲

نیز ما شاهد پیشروی‌هایی هستیم. برای نمونه شاهدیم که بازنشسته شعار می‌دهد: "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد" و فراخوانش به کل جامعه است و یا بخش‌های مختلف بازنشستگان کنار هم تجمع میکنند الگو می‌دهند برای تجمعات متحد سراسری و بزرگ. الگو می‌دهند برای زمینه‌سازی جهت اعتصابات سراسری. این حکومت علیه زنان جنگ به راه انداخته است و بازنشسته و کارگر با شعار "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن" به مقابله بر می‌خیزد. حکومت با ابزار اعدام و سرکوب می‌کوشد دستاوردهای انقلاب را پس بگیرد کارگران و در جلوی آن بازنشستگان با شعار "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما" صدای رسای جامعه هستند و همین گفتمانها مضمون بیانیه‌های تشکلهای کارگری-اجتماعی را تشکیل می‌دهد. مجموعه اینها دستاوردهای جنبش کارگری است که خود اینها نقش مهمی در کشیده شدن اوضاع به شرایط انقلاب زن زندگی آزادی را داشته و هم از این انقلاب تاثیر گرفته و متعرض تر و سازمانیافته به جلو گام برداشته و کیفیت جدیدی پیدا کرده است. بدین ترتیب امروز جنبش کارگری در موقعیت بسیار قویتری قرار گرفته و همین اتفاقات نوید بخش ابراز وجود قدرتمند تر آنست.

حسن صالحی: قطعه‌نامه تاکیدات ویژه‌ای دارد و فراخوانها و توصیه‌های ویژه‌ای را طرح میکند. یکی از این بندهایی که در موردش در این قطعه‌نامه صحبت میشود اهمیت اینست که فعالین و رهبران کارگری در مبارزات عملی اتحاد عملی داشته باشند. و این بسیار نقش مهمی دارد. سوالی که اینجا پیش می‌آید اینست که این بسیار خوب و بسیار مهم است ولی الان شهلا دانشفر هم گفتند که بالاخره در میان کارگران هم گرایش‌های مختلف فکری وجود دارد. چطور این اتحاد عملی امکان پذیر است؟ با توجه به این گوناگونی عقاید و افکار و گرایش‌های مختلف؟

کاظم نیکخواه: روشن است که در همه جامعه اختلافات و سایه روشنهایی میان فعالین وجود دارد. بحث بر سر آن اهدافی است که کارگران دنبال میکنند. در مورد آنها بخش‌های مختلف کارگران اکثر اتحاد عملی دارند. یک اقلیتی هم اگر اتحاد نداشته باشند عملاً یا بدنابل بقیه کشانده میشوند یا کنار زده میشوند. مساله مهم اینست. مثلاً شما معلمان را مورد توجه قرار دهید. بحث بر سر این نیست که چقدر عقاید سیاسی متفاوتی در میان معلمان هست. سوال اینست که آیا اکثریت عظیم معلمان مثلاً با آموزش رایگان همراهی دارند یا نه؟ جواب اینست که دارند. یا اگر شما به بازنشستگان توجه کنید همه بازنشستگان کنار هم قرار میگیرند و شعار درمان رایگان، آموزش رایگان، آزادی کارگران زندانی، آزادی زندانیان سیاسی، معیشت منزلت حق مسلم ماست و اینها را مورد تاکید قرار میدهند. میخواهم بگویم که در مورد مسائل مهم معیشتی، صنفی و حتی سیاسی هم نظریه‌های اساسی در میان بخش‌های مختلف کارگران وجود دارد. سوال اساسی اینست که آیا در همین حدی که هم نظری وجود دارد که بسیار وسیع است در میان کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران، آیا اینها به تشکلهای سازماندهی واحدی میتواند برسد یا نه؟ از نظر ما میتواند و بسیار مهم است. به فرض ما بخشها و قشرهای مختلفی در میان بازنشستگان داریم. بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان مخابرات، بازنشستگان کشوری و لشکری. اینها الان در یک جاهایی دارند کنار هم اعتراض میکنند. در همین سالهای اخیر گامها در جهت اتحاد و حرکت متحدانه در اعتراضاتشان جلوتر رفته اند. قطعه‌نامه میخواهد توجه بدهد که به فرض کارگران نفت در کنار کارگران فولاد میتوانند اعتصاب کنند. کارگران ذوب آهن میتوانند در کنار کارگران نفت به میدان بیایند برای افزایش چندین برابر دستمزدها، برای اینکه دستمزد نباید زیر خط فقر باشد، اینکه کارگر نباید به خاطر اعتراضات زندانی شود و خیلی

خواسته‌های دیگر. بر سر اینها کارگران میتوانند دست به اعتراضات متحدانه بزنند. این تحول را فعالین کارگری، یعنی قشری از رهبران کارگری که دست اندر کار سازماندهی این اعتراضات هستند میتوانند مبتکرش بشوند، میتوانند برای آن تلاش کنند، و عملی کنند. معلوم است که در ایران اعتصاب ممنوع است، اعتراض ممنوع است. متحد کردن کارگران هم ممنوع است. ولی با وجود این هر روز در چندین نقطه و چندین مرکز مهم اعتصاب و مبارزه و تجمع جریان دارد. در این مورد یعنی در مورد تشکل و اتحاد هم مشکلاتی وجود دارد. موانعی جمهوری اسلامی ایجاد میکند که میتواند کارگران بر آن غلبه کنند و در جهت هماهنگی، پیوند و همراهی بخش‌های مختلف کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان تلاش کنند و اولین حرکت و پیشروی‌ای که در این جهت در میان کارگران و معلمان و پرستاران صورت بگیرد، تکان جدی‌ای در کل جامعه ایجاد میکند. در فضای جامعه بسیار تاثیر دارد. و میتواند اوضاع را به سمت دیگری ببرد. حرکت متحد و هماهنگ کارگران در این شرایط بسیار مهم است.

حسن صالحی: همین نمونه موانعی که در رابطه با اتحاد کارگران شما اشاره کردید، طبعاً محدود به مانع جمهوری اسلامی نیست. بطور مثال بیست تشکل و نهاد کارگری و اجتماعی منشوری ۱۲ بندی خواسته‌های حداقلی را انتشار دادند اما این تکرار نشد. منظورم اینست که بعد از منتشر شدن این منشور در این سطح وسیع و گسترده چنین اقدام مشترکی دیگر صورت نگرفت. سوال من اینست که آیا همه موانع به خفقان و دیکتاتوری مربوط است؟ آیا در میان خود فعالین کارگری اختلافات و تنگ نظریها وجود ندارد؟ آیا فرقه‌گرایی وجود ندارد؟ آیا اینها مانع نیستند؟

شهلا دانشفر: مانع اصلی در هر حال سرکوبگریهای حکومت است. در عین حال بدرجه‌ای تنگ نظری‌ها و فرقه‌گرایی‌های برخی از فعالین کارگری نیز مانع است و باید نسبت به آن هوشیار بود و تلاش کرد که موانع حل شود. اتفاقاً یک توجه قطعه‌نامه کارگری مصوب کنگره سیزدهم حزب به همین مساله است. به همین دلیل یک بند اولیه تاکیدات این قطعه‌نامه بر این است که از همه بخش‌های جامعه دعوت میکند که به منشور خواسته‌های حداقلی بیست تشکل بیبوندند و انرا پلاتفرم اتحاد مبارزاتی خودشان قرار دهند. و تاکید میکند که این خود را باید در فراخوانها، در بیانیه‌ها، در شعارهای کف خیابانی، بازتاب دهد. اگر این منشور بر مطالبات حداقلی کارگری تاکید میکند، اگر این منشور علیه اعدام کیفرخواست اعلام میکند و علیه اعمال قدرت از بالای سر مردم کیفرخواست اعلام میکند، از آزادی زندانیان سیاسی صحبت میکند، از حقوق بخش‌های مختلف جامعه و از جمله از حقوق ال جی بی تیو کیو‌ها دفاع میکند، و دردهای عمومی مردم را در دوازده بند مورد اشاره قرار داده است، اینها میتواند مبنای اتحاد مبارزتی همه جامعه باشد. و اتفاقاً برای مقابله با هر گونه تنگ نظری و فرقه‌گرایی ما همین منشور را جلو میگذاریم و میگوییم اینها محورهایی هستند که میشود حول آنها متحد شد. بویژه در قسمت دیگری از تاکید همین قطعه‌نامه به این اشاره شده است که فعالین کارگری، تشکلهای کارگری حول مسائلی سیاسی و حاد جامعه میتوانند و لازمست اتحاد عمل داشته باشند. و عملاً نیز

میرود. اساس مساله حقیقتاً اینست که جز طبقه کارگر هیچکس نمیتواند جامعه را آزاد کند و طبقه کارگر هم بدون اینکه جامعه را آزاد کند نمیتواند خودش را آزاد کند. در نتیجه این مبارزه به عنوان یک مبارزه طبقاتی همه جانبه در مورد معیشت، در مورد زندان، در مورد آزادی بیان، در مورد تقابل با نهادهای سرکوبگر و ارتجاعی و مذهبی، مبارزه طبقه کارگر در همه این عرصه ها به اشکال و درجات مختلفی جریان دارد و ما به عنوان حزب کمونیست کارگری خودمان را بخشی از این جنبش و اعتراض میدانیم و می بینیم و روی آن سعی میکنیم تاثیر بگذاریم و داریم تاثیر میگذاریم و سعی میکنیم آنرا جلو ببریم هدایت کنیم و غیره. بهرحال بحث بسیار وسیعی است و میخواهم بگویم که در ایران یک جنبش بسیار فعال کارگری جریان دارد که بسیار پیشرو و بسیار عمیق است و نوید بخش یک جامعه انسانی و دنیایی بهتر است.

حسن صالحی: کاظم نیکخواه یک مقدار استراتژیک تر در مورد نتایج و ماحصل اتحاد عمل صحبت کرد. آن چیزی که من علاوه بر این دنبالش هستم اینست که اتحاد عمل فعالین کارگری در قدمهای خیلی کنکرت و مشخص همین امروز باید منجر به چه تحولی بشود؟

شهلا دانشفر: سوال مهمی است. قطعنامه مصوب کنگره حزب کمونیست کارگری تاکیدات دیگری هم دارد. مثلاً بر اتحاد شاغل و بازنشسته و تکثیر این شعار در سطح جامعه یکی از تاکیدات آنست. همینطور یک تاکید آن بر اتحاد بخش های مختلف بازنشستگان است که الان کرمانشاه یک الگوی درخشان عملی آنست. قطعنامه همچنین بر تکثیر تجربه تشکلهای موفق که در جنبش کارگری شاهدش بوده ایم از جمله ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات تاکید میکند. فعالین کارگری نقش کلیدی ای برای پیشبرد همه اینها دارند و این خود اتحاد عمل مبارزاتی و مسئولانه آنها را می طلبد. این تحولات بدون شک جنبش کارگری را در موقعیت قویتری قرار میدهد و قدرتبخش آن خواهد بود. این اتفاقات طبقه کارگر را در موقعیت کلیدی تری برای ایفای نقش تحول بخش خود قرار میدهد. این اتفاقات تجمعات اعتراضی کارگری و مردمی را تقویت میکند و قدرت میدهد. و اعتراضات کف خیابانی را داغتر و تجمعات خیابانی را پر جمعیت تر میکند. به همین دلیل تلاش در این جهت با تمام قدرت و توان بسیار مهم و ضروری است و به همین دلیل خطاب قطعنامه کارگری کنگره حزب به فعالین و رهبران کارگری و اکتیویست های اجتماعی است که این موقعیت مناسب را دریابند و بدانند که چه قدمهای در این راستا باید بردارند تا بتواند تغییر کیفی در شرایط جنبش کارگری و تعمیق و گسترش پیشروی های تاکنونی جنبش کارگری ایجاد کنند تا طبقه کارگر بتواند نقش تحول بخش خود را به بهترین شکل ایفا کند. از جمله ما طلایه های آنرا همین امروز می بینیم وقتی که شعار شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد داده میشود و طبقه کارگر پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را بدست گرفته است این را فعالین و رهبران کارگران به صورت میدانی با اتحاد و کنار هم قرار گرفتنشان میتوانند جلو ببرند. خوشبختانه رادیکالیسم جنبش کارگری و نفوذ گفتمان های رادیکال، پیشرو، مترقی و خود انقلاب زن زندگی آزادی که پایه هایش روی همین گفتمانها گذاشته شده است، بستر را فراهم تر میکند که این انتظارات بیشتر متحقق کرد. روشن است که اتحاد فقط برای اتحاد نیست. بلکه اتحاد برای پیشبرد فعالیت های معینی در سطحی فراتر و گسترده تر برای قدرت بخشیدن به جنبش کارگری و پیشروی بیشتر جنبش سرنگونی است. و همانطور که اشاره کردم پلانقرم این اتحاد، منسورهای چون منشور بیست شکل است و منشور مطالبات پیشرو زنان است. و اشکال آن بهره جستن از تجربه شوراهای سازماندهی اعتراضات و تکثیر گسترده این تجربیات است. عملاً هم جنبش کارگری دارد در این جهت حرکت میکند و هر روز شاهد پیشروی های بیشتری هستیم.

حسن صالحی: بسیار متشکرم که در این برنامه شرکت کردید.

پیرامون قطعنامه در مورد ...

از صفحه ۳

ممکن بودن آنرا مشاهده میکنیم. بیانیه هایی که علیه اعدامها و علیه زندان سرکوبگریهای حکومت داده میشود، همین کارزار دفاع از شریفه محمدی نمونه هایی از این اتحاد عمل داشتن هاست. و از مقطعی که قطعنامه در مورد جنبش کارگری داده شده تا الان کلی پیشروی داشته ایم. در آن قطعنامه گفته شده که موقعیتی که جنبش کارگری دارد ما را در نقطه ای قرار داده که نوید بخش است که جنبش کارگری بتواند پر قدرت تر و پر توان تر در صحنه سیاسی جامعه ابراز وجود سیاسی کند. و امروز شاهد اعتصابات هزاران کارگر پروژه ای هستیم و چشم انداز اعتصابات سراسری مشاهده میشود. در این مدت تجمعات مشترک بخش های مختلف بازنشستگان در شهرهایی مثل کرمانشاه و اهواز و تهران و شوش را داشته ایم. بنابراین آن ضرورت، آن نیاز و زمینه هایی که وجود دارد ممکن بودن و حیاتی بودن این اتحاد و همبستگی را نشان میدهد. اینکه جامعه میخواهد از معیشت و زندگی خود دفاع کند، علیه اعدام و سرکوب ایستاده و میخواهد تعرضات حکومت را عقب بزند و میخواهد بایستد و باید بایستد، تاکید صد چندان بر این اتحاد مبارزاتی است. بر بستر چنین شرایط و چنین نیازی است که می بینیم تجمعات مشترک بخش های مختلف بازنشستگان شکل میگیرد. در متن این شرایط اعتصابات سراسری نفت بر پا میشود. پیشروی های کلانی در این سطح به نظرم تنگ نظری ها و فرقه گرایی هایی را که اشاره کردید جارو میکند و کنار میزند. به عبارتی روشنتر این شرایط زمینه های اتحاد را فراهم تر میکند. وقتی بازنشسته، وقتی کارگر شعار میدهد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" دارد به همین نیاز پاسخ میدهد. این یعنی تنگ نظری در این مبارزات جایی ندارد و باید کنار زده شود. بویژه وقتی گفتمانهای کارگر اینست که میگوید حقوقهای نجومی باید برچید شود و با فریاد "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی" بساط تبعیض و استثمار حاکم را به چالش میکشد و از حق داشتن زندگی ای انسانی صحبت میکند، یا میگوید اتهام اخلال در امنیت عمومی یعنی اخلال در امنیت سرمایه، بنابراین امنیت کارگر کجا رفته و علیه آن کارزاری شکل میگیرد، اینها یعنی اتحاد حول خواستهای رادیکال و انسانی زمینه اش فراهم تر است. بنابراین هم از زاویه ضرورتش و هم از زاویه امکانات عینی شرایط برای بیشترین اتحاد مبارزاتی کارگری فراهم است و ما باید نماینده چنین اتحادی باشیم. و فراخوان ما به همه فعالین و اکتیویست های کارگری و اجتماعی اینست که منشور خواستهای حداقلی بیست شکل را در عمل به پرچم مبارزه متحد خود تبدیل کنیم و با تمام قوا به این ضرورت پاسخ دهیم.

حسن صالحی: فرض کنیم همه مواعی که از صحبت کردید چه مانع جمهوری اسلامی و چه گرایشهای مختلف، برطرف شد و فعالین کارگری در کنار هم قرار گرفتند حاصل این قرار است چه بشود؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

کاظم نیکخواه: اگر چنین شود قرار است خیلی اتفاقات بیفتند. کارگران بشارت دهنده یک جامعه انسانی هستند. جامعه ای که در آن هیچ بخشی از مردم محروم نباشند. همه رفاه داشته باشند، آزاد باشند، برابر زندگی کنند، از زندگی انسانی برخوردار باشند و هر قدم پیشروی طبقه کارگر یعنی نزدیک شدن به این خواستها تأثیرات عظیمی در جامعه میگذارد. همین الان اگر این اعتراضات کارگران نفت و معلمان و بازنشستگان و غیره نبود، این جامعه جهنمی بسیار بدتر از این بود. از نظر معیشتی از نظر آزادیها از نظر فقر و از هر نظر جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخور را مدام کارگران دارند به چالش میکشند و عقب میرانند. آن تحولاتی که طبقه کارگر میخواهد بسیار گسترده است. آن تحولاتی که نه فقط جنبش کارگری، بلکه کلاً طبقه کارگر میخواهد اینست که دیکتاتوری و مفتخوری و سرمایه داری از بین برود، هر قدم در این جهت کارگر به خواستهایش نزدیک شود جامعه جلوتر

ترور هنیه و فضای سیاسی در ایران سوال از شهلا دانشفر

کیوان جاوید: آیا کشته شدن هنیه می تواند تأثیر منفی بر دامنه اعتراضات و اعتصابات فعلی کارگری بگذارد؟

شهلا دانشفر: اسماعیل هنیه که برای مراسم تحلیف پزشکیان به تهران آمده بود، در بامداد چهارشنبه در محل اقامت خود به همراه یکی از محافظانش کشته شد. ترور او که بالاترین محافظت امنیتی را داشت، یک سرشکستگی بزرگ برای جمهوری اسلامی و ضربه ای سنگین به حماس و جمهوری اسلامی بود. و این چیزی است که مردم با شادی تمام از آن سخن می گویند. موجی از شادی در میان مردم به پا شد و شبانه در محلاتی چون کرج مردم شیرینی پخش کردند و به یکدیگر تبریک گفتند. جمهوری اسلامی که زخم خورده، اسرائیل را به "مجازات سختی" تهدید کرده است. اما ناتوان از انتقام، تهدیدش اساساً رو به مردم است تا مبادا از این فرصت برای اعتراضات گسترده تر سود جویند. این حکومت از سایه خود وحشت دارد و برای برگرداندن ورق در تلاش است تا جامعه را امنیتی کند. به این منظور سه روز عزای عمومی اعلام کردند. اول مرداد برای تشیع جنازه این جنایتکار قشون کشی کردند و خامنه ای، بر جسد او نماز میت خواند و در پریشان حالی و به هم ریختی بر سرخود کوبیدند و به سوگ نشستند.

اما جامعه همانطور که یکپارچه سیرک انتخابات را با رأی به سرنگونی به شکستی بزرگ برای حکومت تبدیل کرد، همچنان از اعتراض می جوشد. ما شاهد قدرت نمایی جنبش علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی در ایام محرم حکومتی بودیم. در نفت، این مرکز کلیدی کارگری هزاران کارگر در اعتصاب و اعتراض اند و جنبش کارگری پُر تلاطم است. جنبش قدرتمند از زندان تا دانشگاه ها و تا کف خیابان با فریاد "نه تهدید نه زندان نه اعدام نیست جلودار ما" به مقابله با اعدامها ایستاده است. دادخواهان از کردستان تا تهران نیروی بزرگ جنبش نه به اعدام هستند. تشکل های دانشجویی سراسر کشور طی بیانیه مشترکی خواستار اعتراضات گسترده در خارج



کشور در حمایت از چهار زن مبارزه محکوم به اعدام شده و بر پیشبرد سراسری اعتراضات و افزایش فشار بر جمهوری اسلامی تأکید کرده اند. با این قدرت جامعه به سوی گرامیداشت سومین سالگرد انقلابش حرکت می کنند. در متن چنین شرایطی همه شواهد از شعله ورتر شدن بیشتر اعتراضات کارگری حکایت می کند.

کیوان جاوید: برای اینکه اعتراضات با قدرت پیش برود چه موانعی را باید از پیش برداشت؟

شهلا دانشفر: سرکوبگری های حکومت مانع بزرگی در مسیر حرکت جامعه است و این مقابله ای متحدانه و سراسری را می طلبد. جنبش قدرتمند علیه اعدامها، اتحاد طبقاتی کارگری بر محور همان شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" و حول خواست های رادیکال و سراسری از نوع آنچه در سند تاریخی منشور بیست تشکل آمده و پیوستن به آن و در همین راستا اتحاد مبارزاتی فعالین و اکتیویستها کارگری و اجتماعی حلقه هایی کلیدی برای پیشروی جنبش سرنگونی است. مندرج در ژورنال شماره ۷۹۷

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و شرکت فلات قاره در لاوان



امروز ۱۳ مرداد کارگران رسمی در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و روز گذشته در شرکت فلات قاره در لاوان برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. کارگران رسمی نفت در سکوها و مراکز مختلف نفتی برای پیگیری مطالباتشان در دو هفته اخیر تجمعات متعددی بر پا کرده اند. این اعتراضات از مهرماه گذشته آغاز شده است و اهم مطالبات کارگران عبارتند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه ی مشاغل عملیاتی و

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۳-
مرداد ۱۴۰۳، ۳ اوت ۲۰۲۴



وقتی طبقه کارگر دیگر "قشر آسیب پذیر" نیست

یاشار سهندی

در رسانه های حکومتی خبری منتشر شده که پزشکيان "نشستی با حضور اعضای جامعه کارگری و اعضای کانون های بازنشستگی" داشته است. بیش از هر چیز لازم است تاکید کنیم این مثلا "اعضای جامعه کارگری و کانون ها بازنشستگی"، بازوی مستقیم سرکوب کارگران در حکومت اسلامی هستند که در لباس کارگری و بازنشستگی به حضور کسی شرفیاب شدند که قرار است آبی باشد بر آتش شعله ور انقلاب زن زندگی آزادی. و چه تلاش مذبحخانه ای.

جناب پزشکيان به این جمع مزدور توصیه کردند پیشنهاد خود را برای وزارت کار مطرح کنند و ایشان قول دادند: "فردی با مشخصاتی که هم از طبقه کارگر (فشار مبارزات کارگران چه میکند، دیگر حرفی از "قشر کارگر و مستضعف" و "افشار آسیب پذیر" در میان نیست!) و همچنین عالم، آگاه و توانمند باشد را انتخاب نماییم." خانه کارگر جمهوری اسلامی فوراً اعلام کرده: یکی داریم، خوبش هم داریم؛ علیرضا محبوب همه جوره با "شاخص هایی رئیس جمهوری منتخب" می خواند!

حسن صادقی، پیشکسوت مزدوران اسلامی سرمایه در چاقو کشی و زبان بریدن کارگران گفته: "طرح موضوع تصدی پست وزارت کار برای آقای محبوب فرصتی تکرارنشده است.... دانش کار را برای این امر دارد.... معمولاً کارفرمایان نیز شیوه محاسباتی ایشان را قبول دارند.... (مگر) چند نفر را در کشور داریم که به حدی در تسلط نظری و عملی به حوزه کار باشند که هم چندین دهه کار تشکیلاتی صنفی در کارنامه داشته باشند (همه اینها یعنی تجربه در سرکوب کارگران) و هم چند جلد کتاب در حوزه روابط کار و رفاه و تعاون تالیف کرده باشند؟ (حقیقتش را بخواهید این یکی را نمیدانستیم!) چه کسی را داریم که چنین درکی از اقتصاد مولد و تولید محور داشته باشد و همزمان دل درگروی بهبود معاش کارگران داشته باشد؟ (در این زمینه بخصوص، هر ساله در شامورتنی بازی تعیین حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر، بدجور با ایشان آشنا هستیم!) این دانش باید در یک ظرفی مثل وزارت کار باید متبلور شود. (این یک مورد حق با ایشان است!).. آقای محبوب می داند که تقویت اقتصاد تولید محور یعنی استقلال کشور (این یعنی ارزان سازی بیشتر کارگران) و به همین دلیل کارفرما رقیب و دشمن ما نیست. اکنون وقت اقدام است و برای فردا کار بسیار دیر است." این مورد را اشتباه میکنند، همین الانش هم خیلی دیر است، چرا که هیچ وقت آب رفته به جوی برنمیگردد.

محبوب آخر رند بازی آخوندی است. ایشان هنوز لباس فرم کارگری را از تن بیرون نیاورده است. دوستی را میشناختم، که در کارگاه جمعا سی نفره کار میکرد که همگی کارگران آن رسمی بودند که در آن کارگاه جوانی شان تباه شده بود و در آستانه میان سالی کارفرما تصمیم میگیرد به بهانه ضرر دهی همگی کارگران را با سنوات یک ماه به ازای هر سال کار "تعدیل نیرو" (از اصلاحات ابداعی جمهوری اسلامی در مقابل واژه "اخراج"، برای رفع بد آموزی!) کند. کارگران دست به اعتصاب میزنند. این اتفاق در اواخر دهه ۷۰ روی میدهد. کارگران ابتدا خواستار ابقای قرار دادهایشان بودند، اما بعد درخواست سه ماه سنوات به ازای هر سال کار کردند. تا شاید با پول آن بتوانند نیازهای اساسی خود را رفع کنند؛ ماجرا نزدیک به یک سال طول کشید. کار به پلیس امنیت و تهدیدهای مربوطه هم نیز کشیده شد. در کشاکش این ماجرا یکبار قرار شد به دفتر مرکزی خانه کارگر مراجعه کنند و با شخص علیرضا محبوب دیدار کنند تا شاید گرهی از کار گشوده شود. بعد از کلی معطلی پشت دفتر این جناب، بالاخره ایشان اجازه ملاقات را صادر کرد. تنها کاری که محبوب کرد این بود که به گزارش وقایع گوش کند و درخواست مدارک مورد نظر از کارگران را داد که آنها را

دریافت نمود. ایشان نگاه سرسری به مدارک انداخته و بعد پوشه را بسته و گفت: "شما بروید، رسیدگی میشود!" آن کارگران با پیگیری و مبارزات خود توانستند نهایتاً خواسته شان را به کارفرما تحمیل کنند. نشان به این نشان بیست و اندی سال از آن ماجرا گذشته اما خبری از محبوب و خانه کارگر نشد که نشد!

چند روزی است باندهای حکومتی بر سر انتخاب وزرای دولت پزشکيان سر و صدای زیادی پا کردند، و در یک مهندسی واضح از طرف "آقا" سعی دارند زمان را به پیش از دی ماه ۹۶ برگردانند، که در جریان اعتراضات توده ای به بهانه گرانی ها جامعه تو صورت حکومت زد که "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمام ماجرا"؛ و این دلچکان بی مایه و در عین حال جنایتکار میخواهند ثابت کنند درب بر همان پاشنه میچرخد و ماجرای دعوی اصلاح طلب و اصولگرا به پایان نرسیده است! یک طرف میخواهد وزیر سنی مذهب در دولت باشد، یا چند تا زن که بر بردگی خود با چادرشان مهر زده اند، به وزارت برسند. "استاندار بومی" در مثلا بلوچستان و کردستان منصوب کنند و همه اینها به شرطی است که آقا خوشش بیاید! فعلا پادوان آقا چوب مخالفت برداشته اند و افراد "زاویه دار" با "نظام" را تهدید کرده اند. دعوای این چنینی، که از یک سو نشانه ی از هم پاشیدگی درونی حکومت است، از سوی دیگر اکنون به ترفندهای حقیرانه تبدیل شده است که تاریخ مصرف آن خیلی سال است گذشته است.

جناب قداره بند، حس صادقی از بابت پیشنهاد خانه کارگر جمهوری اسلامی برای وزارت کار سر ما منت دارند. بنا به روایت پیش کسوت چاقو کشان، علیرضا محبوب در دو مقطع مختلف پیشنهاد وزارت به او داده شده نه اینکه ظاهراً "محبوب" تشریف داشتند، پیشنهادات را رد کردند! ولی الان گویا وقتش است! بله الان وقتش است؛ اما نه وقت فریب و دغل بازی و چاقو کشی، الان سمبه کارگران چنان پر زور شده که مجبورند اذعان کنند که کارگر قشر آسیب پذیر نیست بلکه یک طبقه است. و این طبقه همین روزها هیبت پر توان خود را در اعتصاب یکماه کارگران پیمان کاری شرکت نفت نشان میدهد. بخشی از این طبقه توانست با مبارزات متحد خود شرکت نیشکر هفت تپه را از حلقوم برخی چپاولگران بیرون بکشد. بازنشستگان این طبقه در کف خیابان حق خود را مطالبه میکنند. کارگران فولاد به رغم همه فشارها پیگیر خواسته های خود هستند. سالانه هزاران اعتصاب صورت میگیرد. رژیم اسلامی سرمایه برای ارباب کارگران شریفه محمدی را به اعدام محکوم کرده است که شاید عقب نشینی به طبقه کارگر تحمیل کرده باشد. اما جوابش را با اعتراضات جهانی علیه این حکم وحشیانه و درکف خیابان گرفتند و بازنشستگان خواستار آزادی بی قید و شرط او شدند.

دعوا حاکمان در بالا انعکاس فشار مبارزات کارگران و بازنشستگان در پایین است. جناب پزشکيان در آن نشست با مزدوران سرمایه توصیه کردند الان گرفتاریم نباید با هم دعوا کنیم! حکومت اسلامی زور بیخود میزند که زمان را به عقب



آخرین خبرها از اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت

بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران ادامه دارد. در بخشی از گزارش این خبر چنین آمده است: "در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران به ناگزیر ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت را پذیرفته اند. تاکید کارگران اینست که باید حقوق کامل ماه به آنها پرداخت شود و ۳۵ درصد افزایش حقوق نیز منظور شده باشد، بعلاوه دستمزدها به موقع پرداخت شود. در عین حال باید دیگر مطالبات کارگران پروژه ای از جمله بهبود کامل کیفیت غذا و شرایط زیستی در کمپها و ایمنی محیط کار تامین گردد. همچنین حذف پیمانکاران یک خواست سراسری کارگران در نفت و جزو مطالبات اعلام شده کارگران پروژه ای است

لازم به ذکر است که در بخش بزرگی از مراکز نفتی هنوز پیمانکاران مفتخور به خواستهای کارگران تن نداده اند. و تاکید کارگران اینست که اعتصاب سراسری است، خواستها سراسری است و تا پاسخ نگیریم سر کار باز نمیگردیم. گفتنی است که تشبثات پیمانکاران برای تفرقه افکنی در میان کارگران و عقب زدن اعتصاب نتیجه ای

نداشته و نخواهد داشت. سه محور خواستهای فوری کارگران در این اعتصابات عبارتند از: افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران. از اعتراضات کارگران نفت وسیعا حمایت و پشتیبانی کنیم

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ مرداد ۱۴۰۳، ۱ اوت ۲۰۲۴

فوج کارگران معترض واگن پارس در خیابانهای اراک

مدیر بی لیاقت نمیخوایم، نمیخوایم



امروز شنبه ۱۳ مرداد اعتراض کارگران واگن پارس مینا در اراک وارد پنجمین روز خود شد. اعتراض این کارگران به کارکرد مدیر فاسد این کارخانه مرتضی ملائزاد و وضع غیر قابل تحمل معیشتی و کاری آنهاست. کارگران خواستار استعفای مدیر شرکت و عملی شدن خواستهایشان هستند. روز گذشته شمار زیادی از این کارگران به خیابان آمدند، راهپیمایی کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. شعارهای اعتراضی جمعیت بزرگ کارگران بر فضای خیابانها طنین انداخته بود. کارگران از جمله شعار میدادند: "مدیر بی لیاقت نمیخوایم، نمیخوایم"، "نگ ما ننگ ما، مدیر الدنگ ما"، و "ملائزاد حیا کن، کارخونه را رها کن".

شرکت واگن پارس وابسته به گروه صنعتی "مینا" است که عمده ی سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم الحال موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد که محل

چپاولگریهای عظیم سران حکومت است. واگن پارس نمونه دیگری از فساد مدیریت کارخانه در همدستی با مقامات حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۳ مرداد ۱۴۰۳، ۳ اوت ۲۰۲۴

از صفحه ۶

وقتی طبقه کارگر دیگر ...

تدقیق کرده است. این طبقه حزبی دارد (حزب کمونیست کارگری) که به پشتوانه مبارزات طبقه کارگر برنامه یک دنیای بهتر خود را تدوین کرده است. و با مبارزات پیگیر خود انعکاس طبقه ای خودآگاه است. به یک همچنین طبقه ای، به چنین جامعه ای نمی توان یک سرکوبگری مانند محبوب را تحمیل کرد. او بسیار، بسیار حقیرتر از این حرفهاست. از پزشکیان و ظریف؛ از چاقوکشان، صادقی و محبوب؛ از بازجویان، شریعتمداری کیهان و آذر جهرمی کاری ساخته نیست. این خط و این نشان، بزودی نبرد نهایی را در خیابانها شاهد خواهیم بود. نبردی که از پیش بازنده آن، مشخص است. امثال صادقی و محبوب به توصیه توماج صالحی باید از الان به فکر سوراخ موش باشند.

برگرداند. جامعه ای که سه تحول مهم در ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ را پشت سر گذاشته است و میروود فرمان سرنگونی حکومت را اجرایی کند؛ به عقب برنمی گردد. این را به وضوح در شعارهای کف خیابان اعلام کرده است.

طبقه کارگر در کشمکش طبقاتی خود با حاکمان اسلامی سرمایه تجارب سخت پر هزینه ای از سر گذرانده است و در لحظاتی از مبارزات چند ساله اخیر خود، آلترناتیو شورایی را رو به جامعه اعلام کرده است. در منشورهای تشکیلاتی که با خون و دل بر پا کرده اند، فوری ترین خواسته های خود که نشانی از جامعه انسانی است را

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

اعتراض صدها نفره کارگران در روز عزای حکومت- مهران محبی



دستگاه امنیتی و جاسوسی موساد تا بالائی ترین و حساس ترین لایه های آن نفوذ کرده است و نتیجه آن یک سرشکستگی بزرگ برای جمهوری اسلامی و ضربه ای سنگین به حماس و جمهوری اسلامی بود. بدین ترتیب حکومت نه تنها نتوانست از این نمایش مسخره و فاقد ارزش و اعتبار داخلی و بین المللی اش کمترین بهره را در کاهش یأس و ناامیدی در میان نزدیکان و وابستگان اش ببرد، بلکه دنیائی از وحشت و ناامنی برای کل سران و عوامل حکومت و مزدوران و هم پیمانان تروریستش ایجاد کرد. سه روز عزای عمومی ای هم که اعلام کرده بودند از سوی مردم با جشن و شادی و اعتراضات گسترده کارگری و مردمی پاسخ محکمی گرفت و این روزها را به روزهای عزای واقعی خامنه ای و دیگر جنایتکاران جمهوری اسلامی تبدیل کرد و اعتراضات گسترده مردمی هر روز بیشتر و عمیق تر حکومت را در عزا خواهد نشاند.

اوضاع جمهوری اسلامی در این ایام که حتی توان گزارش دهی ای قابل قبول از نحوه ترور اسماعیل هنیه در تهران و در یکی از اماکن نظامی و امنیتی اش توسط اسرائیل را ندارد و مانده است که چگونه پوشالی بودن اقتدار امنیتی و نظامی اش را پنهان کند و مدام بر طبل توخالی خونخواهی و ریختن خون در اسرائیل می کوبد، به موضوع تمسخر مردم تبدیل شده است. حکومتی که در سطح جامعه در محاصره اعتراضات قرار گرفته و بیش از هر وقت در بحران است. در چنین شرایطی گسترش و تقویت اعتراضات در همه بخش های معترض جامعه می تواند حکومت را ضعیف تر و ناتوان تر در پیشبرد سیاستهای جنگ طلبانه اش و مانع از وارد شدن به عرصه ای از نزاع منطقه ای که اوضاع زندگی و جان مردم را بیشتر از پیش به خطر بیناندازد، شود.

جمهوری اسلامی علی رغم همه رجزخوانی های اش به خاطر همه شرایطی که آن را در بحران و ناتوانی و درماندگی فرو برده است، توان به راه انداختن یک جنگ وسیع و جدی با اسرائیل را ندارد. اما در سطح کنونی از تقابل با اسرائیل و هزینه های هنگفتی که برای تقویت گروه های تروریستی اسلامی صرف می کند نیز سایه تباهی و نابودی بر زندگی مردم کشیده است. همین روزها که سران حکومت رجزخوانی های خامنه ای را علیه اسرائیل و با هدف قوت قلب و روحیه بخشیدن به عوامل داخلی و منطقه ای تکرار می کنند، همچنانکه اشاره شد ده ها اعتراض و اعتصاب توسط کشاورزان، کامیونداران، حواله داران و مالباختگان، ده ها هزار کارگر پروژه ای، کارکنان رسمی نفت و پرستاران و بازنشستگان برپا بوده و همچنان ادامه دارند. این مجموعه از رویارویی های اجتماعی با جمهوری اسلامی، سران آن را بیشتر از هر رویارویی و کشمکش منطقه ای به وحشت انداخته است.

برای ما مردم و کارگران ضرورت دارد که با تشدید اعتراضات و اعتصابات خود، با اتحاد مبارزاتی علیه سرکوبگریهای حکومت و بساط سرکوب و اعدامش، با براه انداختن گروه های موسیقی و رقص و گسترده کردن بی حجابی در جامعه و نیز با ابراز و بیان مخالفت خود با تبلیغات و رجزخوانی های جنگ طلبانه جمهوری اسلامی، حکومت را بیشتر به عقب برانیم و در صافی متحد تر خود را در سطحی سراسری آماده جنگ نهائی با آن کنیم.*

روز ۱۱ مرداد مترداف با دومین روز کشته شدن اسماعیل هنیه سرکرده تروریست های حماس در بیخ گوش خامنه ای و دومین روز از سه روز عزای جمهوری اسلامی به همین مناسبت، اعتراضات بخش های کارگری و دیگر بخش های دیگر جامعه مانند کشاورزان نما و نمایشی از اتحاد و قدرت و رزمندگی در مراکز کارگری و خیابان ها را به نمایش گذاشت. و این در حالیکه هزاران کارگر پروژه ای نفت و گاز در دومین ماه اعتصاب سراسری خود برای پیگیری مطالباتشان به مبارزه شان ادامه می دهند.

در این روز صدها کارگر واگن پارس اراک در پنجمین روز اعتصابات و اعتراضات خود علیه مدیر فاسد کارخانه که در روزهای قبلیش کارگران معترض به وضعیت معیشتی کارخانه را مورد توهین و بی احترامی قرار داده بود، با برپایی تظاهراتی پرشکوه، پاسخی کوبنده هم به مدیر دزد کارخانه دادند و هم تودهنی ای به حکومت عزادار یکی از جانیمان و تروریست های وابسته اش زدند.

علاوه بر کارگران واگن پارس، کشاورزان خوراسگان اصفهان در ادامه اعتراضات شان نسبت به قطع حق آبه با تراکتورهای شان تجمع و اعتراض برپا کردند و پرستاران بیمارستان امام علی کرج نیز که روز دهم مرداد (روز کشته شدن اسماعیل هنیه) اعتصاب خود را شروع کرده بودند، در روز یازدهم هم به اعتصاب خود ادامه دادند و در دوازدهم مرداد ماه نیز پرستاران بیمارستان کوثر به اعتصاب پیوستند.

در روزهای عزای جمهوری اسلامی فقط کارگران و پرستاران و کشاورزان نبودند که با اعتراضات و اعتصابات خود، عزای خامنه ای و بقیه سران رژیم و وحشت شان را نسبت به سرنوشتی که با سرنگون شدن حکومت در انتظارشان است، عمیق تر کردند، بلکه همه مردم با شادی و براه انداختن گروه های موسیقی و رقص و آواز نوید دادند که روز رقصیدن و شادی کردن بر مرگ دشمنان مردم نزدیک است.

روز جمعه و سومین روز عزای جمهوری اسلامی جمعیت زیادی در قلعه بابک حضور یافتند و به رقص و شادی پرداختند. در این روز علی رغم یورش مزدوران سرکوبگر و طبق گزارشات منتشر شده بازداشت بیش از ۸ نفر حضور جمعیت صدها نفری مردم در یک مراسم همراه با موسیقی و رقص و آواز در روز عزای اعلام شده توسط حکومت، یک تودهنی به خامنه ای و حکومت و گروه های تروریستی وابسته اش بود.

به این ترتیب بود که کارگران و پرستاران و بقیه مردم ضد جمهوری اسلامی در یک مبارزه در هم تنیده علیه حکومت، سران آن را در روزهای عزا و خاک بر سر ریختن شان هم راحت نگذاشتند و اجازه ندادند فضا و میدان جنگ واقعی (میان مردم و حکومت) تحت شعاع جنگ و ترور میان حکومت های تروریستی اسرائیل و جمهوری اسلامی و باندهای وابسته منطقه ای اش قرار گیرد.

جمهوری اسلامی با هدف لاپوشانی کردن شکست اش از مردم در جریان مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری، برای مراسم تحلیف پزشکبان بنابر ادعای خودشان سران بیش از ۷۰ کشور از کشورهای آمریکای جنوبی و آفریقائی و آسیائی که هیچ کدام از آنها اهمیت و نقش تعیین کننده ای در معادلات سیاسی و اقتصادی بین المللی ندارند را به همراه همه سرکرده های باندهای تروریستی اسلامی وابسته به خود جمع کرده بود. ترور هنیه بیش از پیش نشانگر از هم گسیختگی دستگاه ها و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی حکومت است که

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



خبر خوش

بنا بر خبر منتشر شده در کانال تلگرامی حزب کمونیست کارگری خطر اخراج کبری غلامی پژوهشگر افغانستانی که در معرض رد مرز قرار داشت برطرف شده است. کبری غلامی بخاطر چندین پیامک تذکر حجاب با اینکه پاسپورت و مدارک اقامت داشته، بازداشت شده بود و در معرض خطر رد کردن از مرز بود.

درود بر تمام کسانی که برای جلوگیری از اخراج کبری غلامی تلاش کردند.

و منطقه خاورمیانه اند. مردم ستمدیده ای که اگر بمب و مین و گلوله های جنگ نتوانست خانه و کاشانه شان را ویران کند؛ در سیل ها و زلزله ها هستی شان بر باد رفته است. فقر، گرسنگی، بیماری و بیکاری و تعرض و سرکوب دولت های مختلف باعث فرار از محل زیست شان و تن دادن به شرایط سخت و مرگ آور مهاجرت به کشورهای همسایه شده است. مردمی که ناگزیر به ایران و پاکستان و هند و ... گریخته اند و تحمل و دم برنیاوردن در برابر سرکوب ها و اهانت ها و تحقیرهای ارتجاع حاکم زندگی شان را رقم زده است. این مردم سرکوب شده و بی حقوق، شایسته همه نوع احترام و حمایت از سوی مردم ایران و منطقه و جهان هستند.

بخش عمده این مهاجران (بیش از نود درصد جمعیت بین ۵ تا ۷ میلیونی) از ابتدایی ترین حقوق انسانی و شهروندی که دارا بودن هويت، شغل مناسب (بعبارتی عمدتا در مشاغل سخت و زیان آور شاغلند)، مسکن و بهداشت و درمان مناسب و حقوق اجتماعی و فرهنگی و تفریحی محرومند. کودکان شان حتی از محروم ترین کودکان ایرانی محروم ترند. حق استفاده آزاد از تحصیل و آموزش و بهداشت و همزیستی با همسالان خود را ندارند. حتی با دارا بودن مدارک دانشگاهی امکان دستیابی به مشاغل و موقعیت اجتماعی مساوی با دیگر شهروندان از آنان دریغ شده است. زنان شان عمدتا به کار سخت و طاقت فرسای خانه داری (آنهم نه در خانه هایی با امکانات معمولی و استاندارد، بلکه در شرایط زیستی ای نزدیک به اقامتگاه های موقت و اردوگاهی) محکومند. یا در بهترین حالت به کارهای سخت و کم درآمد تولید خانگی و یا نظافت خانه ها و ساختمان ها مشغولند.

شرم آور است که هیچ چیز زندگی این بخش از زحمتکشان به زندگی - حتی در سطح پایین - امروزی در هزاره سوم شبیه نیست. با این وجود رژیم غارت اسلامی هر از گاهی با براه انداختن قانله هایی؛ با براه انداختن گله "شعبان بی مخ" ها در صدد فرار از مسئولیت اجتماعی خویش است. حفظ امنیت و حفاظت از هستی و اموال شهروندان (اعم از مهاجر و بومی) مهم ترین نقش دولت ها و نظام در چارچوب هر کشوری است که جمهوری اسلامی نه تنها تن به این کار نمی دهد بلکه با دامن زدن و تحریک از طریق رسانه ها و مادیای اجتماعی؛ دست در دست جریانات ارتجاعی قوم پرست به اذیت و آزار و برهم زدن آرامش و آسایش این بخش از جامعه مشغول است. از طرفی، غیر از حفظ امنیت، پرداختن به نیازها و مطالبات مهاجران در همه کشورها، از بخش های مهم و سیاست های کلان دولت هاست. اما در ایران برای شانه خالی کردن از این وظایف و در رفتن از تخصیص امکانات و رفاه به این بخش از جمعیت ایران که بخش هایی قابل توجهی از آنان نزدیک به ۴۰ سال (یعنی نسل دوم و سوم آنها) در ایران هستند، با طراحی بحران های دوره ای بسادگی از زیر بار مسئولیت فرار کرده و حداقل امکانات زیستی را از آنان دریغ می کند.

مقابله با "افغان ستیزی"، سمت درست مبارزه طبقاتی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

خبر اخراج کبری غلامی، زن پژوهشگر "افغانستانی" در کنار اخبار موج اخیر حمله به مهاجران و پناهجویان افغانستانی موجی از نگرانی و اعتراض را شکل داد و سرانجام در پانزدهم مرداد ماه خبر خوش رفع خطر اخراجش را شنیدیم. این نگرانی ها بیشتر از این زاویه است که ابعاد تعرض به این بخش از جمعیت بی دفاع جامعه و سرکوب آنان اشکال جدیدی یافته و شرایط زیستی آنها را سخت تر کرده است.

دلایل حکم اخراج کبری غلامی "رعایت نکردن موازین حجاب" اجباری و دریافت چند اخطار از سوی "پلیس حجاب" عنوان شده بود و او با وجود دارا بودن مدارک اقامتی از ایران رد مرز شده بود. در این اقدام فاشیستی حکومت اولین نکته مهم اینست که این زن به خاطر حجاب که خود موضوع جنگ کل جامعه با حکومت آپارتاید جنسی حاکم است، اخراج شده است. این رفتار وحشیانه با کبری غلامی، قبل از هر چیز نشانگر زن ستیزی و دشمنی مستقیم با زنان - با هر پیشینه و ملیت و مذهب - و در ادامه دیگر تعرضات به حقوق و مطالبات زنان و دیگر اقشار جامعه است. به عبارت روشنتر این تعرض در ادامه تلاش حکومت برای بازپس گرفتن سنگر فتح شده حجاب و دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی صورت گرفته بود.

وجه مهم دیگر حکم اخراج کبری غلامی مطالبه گری و اکتیویست اجتماعی بودن این زن مبارز و پیشرو است. و بالاخره اینکه این اقدام نمونه دیگری از افغان ستیزی و سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی در قبال مردمی است که ناگزیر از افغانستان گریخته و به ایران آمده اند و در اینجا نیز زندگی شان جهنمی است و همواره تحت پیگرد قرار دارند. اما خوشبختانه با حمایت های مردمی رفع خطر شد. فراموش نکنیم؛ کبری و دیگر زنان و مردان و جوانان مهاجر افغانستانی، از آغاز جنبش انقلابی زن - زندگی - آزادی، دوشادوش دیگر اقشار ستمدیده و محروم جامعه در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کردند و جانفشانی های زیادی از خود نشان دادند. از جمله جانباختن و زندانی شدن تعدادی از این بخش شریف جامعه، در راه بشمر رساندن انقلاب زن زندگی آزادی مثال زدنی است. بنا براین "فکر کردند که با سرکوب و راندن کبری، ترسی در دل دیگر مهاجران بی حقوق افغانستانی افکنده میشود. تا در بزنگاه قریب الوقوع آتی، از ظرفیت نیروی (بالقوه) مقاومت انقلاب کاسته شود. اما موفق نشدند.

حمله به هست و نیست مهاجران در تهران و دیگر شهرستان ها" و "اخراج گروهی پناهندگان" از یک آبشخور ریشه می گیرد. این هر دو پدیده محصول حاکمیت شارلاتان هایی است که به هیچ یک از قوانین و کنوانسیون های بین المللی و هنجارهای جهان شمول انسانی تعهدی نداشته و همواره از ایجاد بحران و آشوب در زندگی روتین و روزمره مردم بهره برده و از "گل آلود کردن آب (جامعه) برای ماهی گیری (دوام بیشتر)" شرم و واهمه ندارند. در هر دوره، با برپا کردن بلوا و آشوب و گسیل گله لمپن ها و اشرار خود با بهانه های "وطن پرستی" و "ملی و ملی گرایی"، زندگی را برای این بخش از زحمتکشان جامعه، به فاجعه و "جهنم" بدل کرده اند.

کارگران آگاه بخوبی می دانند؛ در مقابل این فجایع باید ایستاد. از مهاجران و حقوق پایمال شده شان می بایست به تمامی دفاع کرد. بیش از نود درصد مهاجران و پناهجویان افغانستانی از اقشار زحمتکش و مزدبگیر هر دو کشور (در افغانستان و همچنین ایران) هستند. پایمال کردن حقوق این بخش از طبقه کارگر و اقشار ضعیف، تعرض به حقوق انسانی همه مزدبگیران است.

مهاجران و پناهجویان افغان، رانده شدگان جنگ های فرسایشی مابین رؤسای ارتجاعی اقوام و قبایل و حکام افغانستانی و همچنین کار بدستان و جیره خواران غرب



اعتصاب پرستاران در استان البرز

طور دقیق نمی دانند مبلغ تعرفه ماهانه آنها چقدر است. یک موضوع اعتراض پرستاران تبعیض در پرداخت تعرفه ها و سلیقه ای عمل کردن مسئولین است.

رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری کرج گفت: با پیگیریهای سازمان نظام پرستاری فعلا مسئولان دانشگاه علوم پزشکی البرز قول داده اند که تا پایان مرداد، بخشی از عقب ماندگی تعرفه پرستاران را جبران کنند و مبلغ پرداختی را نیز به صورت دقیق پرداخت کنند و علی الحساب نباشد که امیدواریم به این وعده خود عمل کنند. آخرین گزارش از اعتراضات پرستاران اینست که این اعتراضات به شیراز هم کشیده شده است. مبلغ ناچیز اضافه کاری (ساعتی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان)، عدم پرداخت آیتم های رفاهی و مبلغ ناچیز آن، تبعیض در پرداخت تعرفه ها و عدم شفافیت در میزان آن، عدم اجرای ابلاغیه فوق العاده خاص و اصلاح ضریب حقوق پرستاران و عدم تامین نیروی انسانی و کار طاقت فرسا و فشار کار بسیار و اجبار به اضافه کاری از جمله موضوعات اعتراضی آنهاست که معضل همه پرستاران است. معاون نظام پرستاری شیراز با حضور در جمع پرستاران اعلام کرد که اینها مشکلات سراسری است و کلید حل آن در دست وزارت بهداشت است. پرستاران میگویند تا جواب نگیرند به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب پرستاران حمایت میکند و همه مردم را به حمایت از آنها فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

اعتصابات گسترده پرستاران در بیمارستانهای مختلف ادامه دارد

بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران، اعتراضات کادر درمان و پرستاران در بیمارستان های مختلف برای پیگیری مطالباتشان گسترش یافته است. طبق این گزارشات اعتصابات بیمارستان های کرج از سه شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ با آغاز اعتراضات پرستاران بیمارستان امام علی کرج، شروع شده و نیروهای پرستاری در اعتصاب کامل بسر میبرند و تنها تعداد معدودی از سوپروایزرها و نیروها برای رسیدگی به بیماران از پیش بستری شده سر کار حاضر می شوند.

پرستاران بیمارستان کوثر استان البرز نیز از روز شنبه ۱۳ مرداد، در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و کاری خود دست به اعتصاب زدند. همچنین پرستاران بیمارستان شهید رجایی از روز شنبه ۱۳ مرداد وارد اعتصاب شده و بخش اورژانس این بیمارستان و کلیه نیروهای پرستاری و کادر درمان با ترک کار به این اعتصاب پیوستند. زیر فشار این اعتراضات صیادی رئیس دانشگاه علوم پزشکی نیمه شب برای مذاکره با پرستاران در بیمارستان حاضر شد و قول رسیدگی به درخواست پرستاران را داد.

پرستاران بیمارستان شهید مدنی، بخش اتاق عمل نیز از روز شنبه ۱۳ مرداد به اعتصاب پیوستند و اتاق عمل به تعطیلی کشیده شده است.

همچنین پرستاران بیمارستان شریعتی کرج، از روز یکشنبه ۱۴ مرداد به این اعتصابات پیوسته اند. عدم پرداخت تعرفه ها یک موضوع این اعتراضات است و طبق گزارشات به نقل از وحید دبیری رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری کرج پرداخت تعرفه خدمات مراقبتی پرستاران شاغل در بیمارستانهای کرج از بهمن ماه سال گذشته پرداخت نشده است. بعلاوه این پرستاران کارانه زمستان سال ۱۴۰۱ خود را نیز طلب دارند. زیر فشار اعتراضات پرستاران قرار شده است که مبلغی به صورت علی الحساب بابت تعرفه بهمن ماه ۱۴۰۲ برای پرستاران البرز واریز شود. ضمن اینکه مقرر شده است که تا پایان مرداد، بخشی از عقب ماندگی تعرفه پرستاران را جبران کنند و این طلبها را به صورت دقیق پرداخت کنند و علی الحساب نباشد.

بنا بر خبر مبلغ کارانه پرستاران با توجه به وضعیت و میزان کار هر پرستار با دیگری متفاوت است و ماهانه بین ۲ تا ۹ میلیون تومان تفاوت دارد. با این وجود مبلغ پرداختی به پرستاران بابت تعرفه گذاری به صورت علی الحساب است و پرستاران به

از صفحه ۹

مقابله با "افغان ستیزی"، ...

و همدستان "ملی پرست" و نژاد پرست آنهاست. دفاع علنی و همه جانبه از هستی و موقعیت انسانی و اجتماعی زحمتکشان افغانستانی؛ دفاع از حقوق و مطالبات همه کارگران و زحمتکشان این سرزمین است. لحظه ای از این مهم نباید غافل شد و فرصت را از رژیم و متحدان شاه الهی و ارتجاعی اش باید گرفت.

امروز برای ما کارگران و تشکل های مستقل کارگری، زنان، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان و ... صف مبارزه طبقاتی - انقلابی؛ بدون در نظر داشتن حقوق مهاجران و همه دیگر اقشار و طبقات غیر ممکن و غیر انسانی است. جنبش انقلابی - سوسیالیستی مبارزه و مخالفت پیگیر با هرگونه تمایز و تبعیض طبقاتی، قومی، ملی، نژادی، جنسی، مذهبی و فرهنگی است. ما همه زحمتکشان مهاجر را به پیوند با این جنبش انقلابی و پیوستن به صفوف حزب انقلاب انسانی - حزب کمونیست کارگری - فرا می خوانیم.

زنده باد آزادی برابری،

زنده باد حزب کمونیست کارگری

یکی دیگر از "مواهب" راه اندازی این "جنگ های زرگری"، ایجاد فاصله و تفرقه مابین اقشار مزدبگیر جامعه است. با حواله دادن گرانی و کمبود بعضی از اقلام معیشتی به وجود مهاجران در بعضی مناطق و با انداختن نا امنی و فجایع اجتماعی گردن مهاجران، سرپوش موقتی برای دزدی و غارت خود تراشیده و آدرس غلط به جامعه می دهد. تا مگر با استفاده از این خیمه شب بازی، چند صباحی از زیر فشار مطالبات توده مردم خلاصی یابند. حال آنکه کارگران و مزدبگیران افغانستانی؛ اثرات شان در تولید پول ثروت کمتر از دیگر اقشار جامعه نیست. این دسته بندی و انگ زدن های سیستم برای ایجاد تفرقه را باید افشا و رسوا کرد.

کارگران و مردم آگاه می دانند که سرمنشأ و مسبب همه این کمبود ها و فجایع، خود جمهوری غارتگر حاکم است. در نتیجه وظیفه ما کارگران در این برهه از مبارزه طبقاتی، در کنار حمایت همه جانبه از مهاجران افغانستانی که مزدبگیران هم سرنوشت ما هستند؛ افشای سیاست های فاشیستی و نژادپرستانه رژیم کثیف اسلامی

۹ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران فولاد شادگان و چند خبر دیگر

همین رابطه در بندرعباس نیز تراکتورداران تجمع اعتراضی برپا داشتند. خبر اعتراضی دیگر مربوط به تجمع کارگران پروژه آب شیرین کن چاه بهار است که به دلیل عدم پرداخت دستمزدهایشان، چهار روز است در اعتصاب بسر میبرند. این کارگران از چندین ماه پیش با عدم دریافت حقوق خود مواجه شده‌اند. این تأخیر در پرداخت حقوق، مشکلات معیشتی بسیاری برای کارگران و خانواده‌هایشان ایجاد کرده است. کارگران خواستار پرداخت فوری دستمزدهایشان هستند.



آخرین خبر اینکه براساس قطعی برق، صنایع بسیاری در جنوب دچار مشکل شده‌اند. از جمله شرکت کیمیا گستر ام دی اف طاهرخانی واقع در بخش شاورر توابع شهرستان کرخه به دلیل ناترازی برق در استان موقتاً تعطیل اعلام شد. و ۱۶۰ کارگر این شرکت پیگیر کار و وضعیت معیشتی خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۹ مرداد ۱۴۰۳، ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۴

امروز نهم مرداد ماه کارگران فولاد شادگان در خوزستان در اعتراض به اخراجها با خواست بازگشت به کار برای دومین روز متوالی مقابل درب فولاد تجمع کردند. بنا برخبرها روز گذشته مدیرعامل فولاد شادگان در مصاحبه با صدا و سیما اظهار داشت که هفتصد نفر از کارگران پیمانکاری که در پروژه فولادسازی مشغول بودند به بهانه اتمام این پروژه پایان کارخورده و برای مابقی یعنی ۴۰۰ نفر دیگر آنها نیز به مرور پایان کار صادر خواهد شد. امروز در کرمانشاه نیز کارکنان استانداری در اعتراض به استخدام‌های رانتی در دفتر معاون منابع انسانی تجمع کردند.

در این روز همچنین گروهی از کشاورزان خوراسگان اصفهان با خواست حقابه و بازگشایی آب رودخانه زاینده رود در حالیکه تراکتورهایشان را پارک کرده بودند، در میدان این شهر تجمع کردند. گرمای تابستانی و بی آبی، محصولات و معیشت کشاورزان را به خطر انداخته است. همچنین در کوزران کرمانشاه و بندرعباس نیز کشاورزان در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت خود تجمع اعتراضی داشتند. در

کارزار حمایت از شریفه محمدی و سایر محکومین به اعدام هر روز گسترده‌تر میشود



داشته‌اند یا به دلایلی دیگر، از جمله وضعیت بد اقتصادی و فرهنگی، به بزه دچار شده‌اند. ضرورت دارد که یک‌دیگر را تنها نگذاریم، صدای هم باشیم و در عمل از تمام گروه‌های تحت ستم حمایت کنیم.

اتحادیه سراسری کارگران هلند که با بیش از یک میلیون عضو دارد، در نامه‌ای به پزشک‌های نگرانی خود را از احکام اعدام و بطور مشخص حکم اعدام شریفه اعلام کرده و نوشته است: «حکم اعدام او باید لغو و او فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود، زیرا او زندانی وجدانی است که تنها به خاطر استفاده‌ی مسالمت‌آمیز از حقوق خود برای آزادی انجمن و تجمع و بیان (حقوق کارگری) زندانی شده است. حقوق کارگران برای تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های کارگری مستقل مورد انتخاب خود، مطابق با کنوانسیون‌های اصلی سازمان بین‌المللی کار و تعهدات ایران تحت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید تضمین شود.»

جمعی از فعالین سیاسی در مالمو (سوئد) روز شنبه ۶ مرداد در اعتراض به احکام اعدام صادر شده علیه شریفه محمدی و پخشش عزیزی زنان زندانی سیاسی، و در حمایت از وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمپاری، زنان معترض زندانی متهم به "بغی"، دست به تجمع زده و خواهان آزادی بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی شدند.

در شبکه ایکس و در باکس استوری اینستاگرام نیز روزهای سه‌شنبه همزمان با سه‌شنبه‌های اعتراض در زندان‌ها طوفانی تویتری علیه اعدام شروع شده و بسیاری از نهادها و فعالین در این کارزارها شرکت دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۹ مرداد ۱۴۰۳، ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۴

جمعی از مادران دادخواه در سنج، در اقدامی مشترک و در حالیکه پلاکاردهایی با عنوان «نه به اعدام (و تصاویری از شریفه محمدی، پخشش عزیزی و جانباختگان در دست داشتند، نسبت به احکام صادر شده اعدام واکنش نشان دادند. دایه شریفه زرینی مادر جانباخته رامین حسین پناهی با در دست گرفتن پلاکاردی خواهان لغو فوری حکم اعدام شریفه محمدی و پخشش عزیزی شد. روی این پلاکارد نوشته شده بود: «اعدام قتل عمد حکومتیست». «من مادر رامین حسین پناهی خواهان لغو فوری حکم اعدام و آزادی پخشش عزیزی و شریفه محمدی هستم». «اعدام ننگ بشریت است. ننگ بر حاکمیتی که برای بقا به دنبال گردن برای طناب دارش می‌گردد.»

روز سه‌شنبه ۹ مرداد زندانیان سیاسی عقیدتی زن در اوین در ادامه اعتراض به صدور حکم اعدام پخشش عزیزی، با سه‌شنبه‌های «نه به اعدام» همراه شده و دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان زندان شیراز و لاکان رشت نیز به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام پیوستند و بدینترتیب سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام به ۱۸ زندان افزایش یافت.

زندانیان بند زنان اوین روز شنبه ۶ مرداد طی فراخوانی از عموم جامعه خواستند با شعار آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام با آنها همراه شوند. آنها با شعارهایی کوبنده در اعتراض به صدور حکم اعدام برای پخشش عزیزی، شریفه محمدی و دیگر زندانیان سیاسی، در محوطه زندان دست به تحصن و اعتراض زدند.

جمعی از دانشجویان در بیانیه‌ای ضمن اشاره به احکام اعدام عباس دریس، شریفه محمدی، پخشش عزیزی، مجاهد کورکور و بسیاری افراد گمنام دیگر در معرض اعدام، نوشته‌اند: «نیروی سیاهی که جوانان را به کام مرگ می‌فرستد، همان نیروی سیاهی است که در طی این سالیان، تک تک ما را سرکوب کرده است. حق زندگی، یکی از بدیهی‌ترین حقوق فردی است.» «حاکمیت مرگ» جنایت‌کار بودن خود را با گرفتن این حق از افرادی نشان می‌دهد که یا با آن مخالفی هر چند کوچک

کارگران در هفته ای که گذشت : تنظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۱۵ مرداد

آنها پرداخت شود. ۳۵ درصد افزایش حقوق نیز منظور شده باشد، بعلاوه دستمزدها به موقع پرداخت شود. در عین حال باید دیگر مطالبات ما کارگران پروژه از جمله بهبود لازم کیفیت غذا و شرایط زیستی در کمپها و ایمنی محیط کار تامین تامین گردد. همچنین حذف پیکاران یک خواست سراسری ما کارگران در نفت و جزو مطالبات اعلام شده ما کارگران پروژه ای است.

پنجشنبه ۱۱ مرداد

روز ۱۱ مرداد کارگران کارخانه ی «واگن پارس» در اعتراض به کارکرد «مرتضی ملائزاد»، مدیرعامل فاسد این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زده و با فریاد «ملائزاد، حیا کن! کارخونه رو رها کن!» فریاد اعتراضشان را بلند کردند.

کشاورزان در خوراسگان اصفهان در اعتراض به بی آبی و مافیای آب با برپا کردن چادر و پارک تراکتورهایشان برای سومین روز متوالی تجمع کردند.

قطع مکرر برق در جاهی باعث تعطیلی کار شده و شغل و کار کارگران را به خطر انداخته است. این موضوع صدای اعتراض کارخانه داران را نیز بلند کرده است و در این روز شماری از آنها در شهر اردبیل دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۱۰ مرداد

قطعی مدام برق به معضلی برای معیشت و کار مردم تبدیل شده است. خصوصاً در گرمای شدید تابستانی از جمله در خوزستان و مناطق جنوبی کشور شرایط طاقت فرسایی ایجاد کرده است. در رابطه با این موضوع در این روز شماری از شهروندان ایرانشهر در مقابل اداره برق دست به تجمع اعتراضی زدند.

حواله داران خودروشاهین T در اعتراض به بالا کشیده شدن اندوخته هایشان مقابل دفتر پزشکیمان در تهران تجمع کردند. بنا بر خبرها شاهین سایپا که قرار بود در زمستان ۱۴۰۳ خودرو خود را تحویل بگیرند، با لغو شدن ناگهانی نوبت خود مواجه شدند. این اتفاق پس از یک سال انتظار و بلوکه شدن ۱۰۰ میلیون تومان پول این حواله داران اتفاق افتاده است.

کارگران شرکت گلف اجنسی ایران در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد و حق بیمه خود و سطح نازل حقوقها در محوطه شرکت گلف اجنسی ایران (زیر مجموعه هولدینگ آتیه صبا) تجمع کردند.

سه شنبه ۹ مرداد

کارگران فولاد شادگان در خوزستان در اعتراض به اخراجها با خواست بازگشت به کار برای دومین روز متوالی مقابل درب فولاد تجمع کردند. روز ۸ مرداد مدیرعامل فولاد شادگان در مصاحبه با صدا و سیما اظهار داشت که هفتصد نفر از کارگران پیمانکاری که در پروژه فولادسازی مشغول بودند به بهانه اتمام این پروژه پایان کارخورده و برای مابقی یعنی ۴۰۰ نفر دیگر آنها نیز به مرور پایان کار صادر خواهد شد.

شیوا عاملی راد نماینده روابط بین المللی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به نمایندگی از این نهاد و معلمان در ایران در دهمین کنگره جهانی آموزش بین الملل در بوینس آیرس، آرژانتین است. بنا بر خبر منتشر شده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در این کنگره نمایندگانی از ۱۷۸ کشور به نمایندگی از ۳۲ میلیون عضو این اتحادیه در سراسر جهان شرکت داشتند.

یکشنبه ۱۴ مرداد

بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، تهران، اهواز و کرمانشاه به روال هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند.

بازنشستگان فولاد در ساری نیز برای پیگیری مطالبات خود تجمع داشتند.

کامیون داران شهری روستای گلنجان واقع در ۲۰ کیلومتری شرق اصفهان در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل و مشکلات کاری و معیشتی خود تجمع کردند.

شنبه ۱۳ مرداد

اعتصاب کارگران واگن پارس مپنا در اراک وارد پنجمین روز خود شد. اعتراض این کارگران به کارکرد مدیر فاسد این کارخانه مارتضی ملائزاد و وضع غیر قابل تحمل معیشتی و کاری آنهاست. کارگران خواستار استعفای مدیر شرکت و عملی شدن خواستههایشان هستند. روز گذشته شمار زیادی از این کارگران به خیابان آمدند، راهپیمایی کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. شعارهای اعتراضی جمعیت بزرگ کارگران بر فضای خیابانها طنین انداخته بود. کارگران از جمله شعار میدادند: "مدیر بی لیاقت نمیخوایم، نمیخوایم"، "تنگ ما تنگ ما، مدیر الدنگ ما"، و "ملائزاد حیا کن، کارخونه را رها کن".

کارگران رسمی در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و روز گذشته در شرکت فلات قاره در لاوان برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. کارگران رسمی نفت در سکوها و مراکز مختلف نفتی برای پیگیری مطالباتشان در دو هفته اخیر تجمعات متعددی بر پا کرده اند. این اعتراضات از مهرماه گذشته آغاز شده است و اهم مطالبات کارگران عبارتند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازرگری اساسنامه ی تحمیلی صندوق بازنشستگی.

جمعه ۱۲ مرداد

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پروژه ای نفت، اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران، ادامه دارد. در بخشی از این گزارش چنین آمده است: "در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران به ناگزیر ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت را پذیرفته اند. تاکید همکاران اینست که باید حقوق کامل ماه به



از شروین خواننده محبوب انقلابمان دفاع کنیم!

شروین حاجی‌پور خواننده محبوب و معترض آهنگ «با انتشار ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی از تأیید حکم ۳ سال و ۸ ماه حبس توسط دادگاه تجدیدنظر خبر داد. او در این ویدئو به این حکم ظالمانه اعتراض کرد، از حق آزادی بیان خود دفاع کرد و آن را بی‌پایه دانست.

آهنگ «با الهام از پست‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی مختلف ساخته شد و به دلیل انتقاد عمیق به هر آنچه با رژیم اسلامی تداعی می‌شود، مورد استقبال دهها میلیون نفر در ایران قرار گرفت، شهرت جهانی یافت و به یکی از زیباترین ترانه‌های انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل شد.

دفاع از شروین و همینطور از توماج صالحی و سامان یاسین، دفاع از آزادی بیان، آزادی هنر و آزادی نقد و اعتراض و دفاع از زندانیان سیاسی است. از شروین و توماج و سامان و آزادی بی‌قید و شرط بیان آنها و آزادی بی‌قید و شرط بیان همه مردم در مقابل مستبدان جانی و فاسد و دزد حاکم باید دفاع کرد. دفاع از هنرمندان انقلاب، دفاع از دستاوردهای انقلاب و ظرفی برای تداوم اتحاد مردم حول این دستاوردها

است. حکم زندان شروین باید فوراً و بدون قید و شرط لغو شود و توماج و سامان و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۲ مرداد ۱۴۰۳، ۲ اوت ۲۰۲۴

بسیاری برای کارگران و خانواده‌هایشان ایجاد کرده است. کارگران خواستار پرداخت فوری دستمزدهایشان هستند.

- براساس قطعی برق، صنایع بسیاری در جنوب دچار مشکل شده اند. از جمله شرکت کیمیا گستر ام دی اف طاهرخانی واقع در بخش شاورور توابع شهرستان کرخه به دلیل ناترازی برق در استان موقتا تعطیل اعلام شد. و ۱۶۰ کارگر این شرکت پیگیر کار و وضعیت معیشتی خود هستند.

دوشنبه ۸ مرداد

- کارگران اخراجی کارخانه شادگان در برابر کارخانه تجمع کرده و خواستار بازگشت به کارشان شدند.

- بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای ارومیه، اصفهان، کرمانشاه، سنندج، میوان، بندرعباس، ساری، تبریز، رشت، زنجان، تجمع کردند. شهرکرد: گردهمایی فرهنگیان متقاضی "مسکن ملی"، پروژه ی شهرک «منظویه»، در برابر آن در روز ۸ مرداد، در اعتراض به کارکرد مدیران کلاهدار حکومتی و شرکت مجری پروژه، که سال هاست پول آنان را گرفته و خانه ای تحویل نداده اند

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۱۲

- کارکنان استانداری در اعتراض به استخدام‌های رانتی در دفتر معاون منابع انسانی در کرمانشاه تجمع کردند.

- گروهی از کشاورزان خوراسگان اصفهان با خواست حقایق و بازگشایی آب رودخانه زاینده رود در حالیکه تراکتورهایشان را پارک کرده بودند، در میدان این شهر تجمع کردند. گرمای تابستانی و بی‌آبی، محصولات و معیشت کشاورزان را به خطر انداخته است.

- گروهی از کشاورزان در کوزران کرمانشاه و بندرعباس در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت خود تجمع اعتراضی داشتند. در همین رابطه در بندرعباس نیز تراکتورداران تجمع اعتراضی برپا داشتند.

- اعتصاب کارگران پروژه‌ی آب شیرین‌کن چاه بهار است که به دلیل عدم پرداخت دستمزدهایشان، وارد چهارمین روز خود شد. این کارگران از چندین ماه پیش با عدم دریافت حقوق خود مواجه شده‌اند. این تأخیر در پرداخت حقوق، مشکلات معیشتی

اعتراضات معلمان خرید خدمت، کشاورزان اصفهان، و ادامه اعتراضات کارگران نفت



دست به تجمع زدند. مطالبات کارگران رسمی نفت سراسری است و اهم آن عبارتند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه‌ی مشاغل عملیاتی و بازنگاری اساسنامه‌ی تحمیلی صندوق بازنشستگی.

حزب کمونیست کارگری

۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

امروز دوشنبه ۲۵ مرداد معلمان خرید خدمت با خواست استخدام در آموزش و پرورش و در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی خود مقابل دفتر پزشکبان تجمع کردند. معلمان شعار میدادند: "خرید خدمت بیدار است، از تبعیض بیزار است"، و "ظلم و ستم بسمه، استخدام حقمه". هزاران تن از معلمان خرید خدمت در حالت بلا تکلیفی بسر می‌برند و آموزش و پرورش علیرغم نیاز به شمار بسیار بیشتری از معلمان، از استخدام آنها سر باز می‌زند و آنها را بدون استخدام رسمی به کار می‌گیرد. بنا به یک گزارش دیگر در خوراسگان اصفهان تحصن کشاورزان در اعتراض به بی‌آبی و علیه مافیای آب و با خواست حقایق و بازگرداندن آب زاینده رود ادامه دارد و در شب گذشته کشاورزان همراه با خانواده‌هایشان در تحصن بودند.

آخرین خبر اینکه در ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالباتشان روز گذشته ۱۴ مرداد ماه کارگران رسمی نفت شاغل در سکوی نصر



شیبان اهواز زندانی است، و اواخر سال گذشته حکم اعدام وی توسط دیوان عالی کشور تایید شد و او در خطر جدی اعدام قرار دارد.

سه شنبه ۹ مرداد: براساس قطعی برق، صنایع بسیاری در جنوب دچار مشکل شده اند. از جمله شرکت کیمیا گستر ام دی اف طاهرخانی واقع در بخش شاورر توابع شهرستان کرخه به دلیل ناترازی برق در استان موقتا تعطیل اعلام شد. و ۱۶۰ کارگر این شرکت پیگیر کار و وضعیت معیشتی خود هستند.

- بنا بر اخبار منتشر شده علیرضا مرداسی، معلم و متهم سیاسی علیرغم گذشت نزدیک به یک سال از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان شیبان اهواز بسر می برد. او دچار مشکلات جسمانی سختی است و از دریافت رسیدگی لازم پزشکی محروم مانده است. به علیرضا مرداسی بیشتر اتهامات فساد فی الارض و بغی تفهیم شده است. اما تاکنون دادگاهی برای او تشکیل نشده است. علیرضا به بیماری ریوی مبتلاست و با وجود نیاز به درمان، از رسیدگی تخصصی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی محروم شده است.

اتهاماتی مانند "بغی"، "فساد فی الارض" و "محاربه" دستاویزهایی برای سرکوب و صدور احکام اعدام توسط قضات جنایتکار جمهوری اسلامی است. پاسخ سرکوبگریهای حکومت اعتراضات سراسری است.

محرومیت زندانیان از درمان بخشی از شکنجه های حکومت علیه آنان و یک جنایت آشکار است. جمهوری اسلامی در قبال جان زندانیان در بند مسئول است. همراه با خانواده ها به این شکل قتل خاموش زندانیان اعتراض کنیم.

دوشنبه ۸ مرداد: کارگران فولاد شادگان که اخیرا در اثر تعلیق پروژه فاز دوم فولاد شادگان پایان کار خوردند از صبح این روز مقابل درب شرکت فولاد شادگان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

- کارگران شرکت قند خاورمیانه واقع در شهرستان شوش، برای سومین روز در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود و همچنین اخراج شماری از همکارانشان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۷ مرداد: - امان جلالی نژاد، جعفر سلمان نژاد، مهدی معمار، محمد سلامات، راستین قنوتی و مهشید لطفی، متهمان سیاسی، علیرغم گذشت بیش از سه ماه از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان شیبان اهواز بسر می برند. این افراد بیشتر در یک پرونده مشترک در دادسرای انقلاب اهواز از بابت اتهامات تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه های مخالف نظام مورد تفهیم اتهام قرار

از خوزستان خبر میرسد؟

۵ تا ۱۲ مرداد ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

از جمعه ۱۲ مرداد: بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در ادامه یکشنبه های اعتراضی و برای پیگیری مطالباتشان برای روز ۱۴ مرداد به تجمع اعتراضی فراخوان داده اند. در فراخوان این کارگران آمده است: "برای کسب مطالبات به حق و داشتن زندگی مناسب و شایسته تجمع خواهیم کرد و خواستار رهایی از بندگی، فقر و تنگدستی خواهیم شد. فریاد خواهیم زد شریفه محمدی و دیگر کارگران زندانی آزاد شوند. نابود باد بندگی، زنده باد زندگی"

- اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران از جمله در مراکز نفتی در خوزستان ادامه دارد. در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران به ناگزیر ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت را پذیرفته اند. تاکید کارگران اینست که باید حقوق کامل ماه به آنها پرداخت گردد و ۳۵ درصد افزایش حقوق منظور شده باشد. بعلاوه دستمزدها به موقع پرداخت گردند. در عین حال باید دیگر مطالبات کارگران پروژه ای از جمله بهبود کیفیت غذا و شرایط زیستی در کمپها و ایمنی محیط کار تامین گردد. همچنین حذف پیکاران یک خواست سراسری کارگران در نفت و جزو مطالبات اعلام شده کارگران پروژه ای است.

پنجشنبه ۱۱ مرداد: بنا بر گزارشات منتشر شده زنان کارگر کشاورز در خوزستان بدون داشتن حق بیمه و با پایین ترین میزان دستمزد به صورت روزمزد کار می کنند. این کارگران بخاطر نداشتن حق بیمه از مقرری بازنشستگی نیز محرومند. از جمله در میان آنها زنانی را میشود دید که با هشتاد سال سن با سابقه شصت سال کار بخاطر نداشتن هیچگونه تامینی همچنان به این کار طاقت فرسا مشغولند تا لقمه نانی بدست آورند. این زنان کارگر، کارشان تعطیل و غیرتعطیل ندارد و هر روز که سر کار بروند دستمزد می گیرند و نیاز معیشتی باعث میشود که هر روزه به این کار مشقت بار مشغول باشند. کار در مزارع کشاورزی آنهم در گرمای سوزان چهل تا پنجاه درجه و قطعی دائمی آب و بی آبی جهنمی برای همه کارگران کشاورزی ایجاد کرده است. این کارگران بدون داشتن سایه بان و آب خنک کار میکنند و بارها بدلیل دمای بالا دچار گرمادگی شده و سروکارشان به پزشک و بیمارستان کشیده است.

چهارشنبه ۱۰ مرداد: رعنا کورکور خواهر عباس (مجاهد) کورکور، از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری محکوم به اعدام، علیرغم گذشت بیست و هفت روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان اوین بسر میرد. او در دادسرای پاکدشت با گشایش دو پرونده مجزا مواجه شده است. برای آزادی رعنا کورکور هفتصد میلیون تومان وثیقه تعیین شده و خانواده امکان پرداخت آن را ندارند. تبلیغ "علیه نظام" و ارتباط با گروه های مخالف نظام از جمله اتهامات عنوان شده به رعنا کورکور است که بخاطر آنها مورد محاکمه قرار میگیرد. رعنا در تاریخ چهاردهم تیرماه امسال، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود در پاکدشت بازداشت شد. وی نهایتا پس از اتمام مراحل بازجویی در ۲۷ تیر بند زنان زندان اوین منتقل گردیده است.

مجاهد کورکور، از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ است که در زندان



تجمعات بازنشستگان در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه، تهران و چند خبر اعتراض دیگر

شریفه محمدی آزاد باید گردد

شعارتون، دروغ و دزدی کارتون، "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد،"

"مشکل ما حل نشه، یکشنبه ها می آیم"، و "نه سرما، نه گرما، نیست جلودار ما". در تهران بازنشستگان شعار میدادند: "معیشت بازنشستگان، نابودتر از هر زمان"، "بیمه های تکمیلی دزد سر گردنه"، "خیلی دروغ شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، "تا حق خود نگیریم یکشنبه ها می آیم". در این تجمع اعتراضی بنرهای "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" برجستگی داشت. و در اهواز بازنشستگان با شعار "فولادی، کشوری، تامین اجتماعی اتحاد، اتحاد" فراخوانشان به اتحاد مبارزاتی همه بخش های بازنشستگان بود و شعار میدادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "روسی را رها کن، فکری بحال ما کن"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم". علاوه بر بازنشستگان تامین اجتماعی در این روز بازنشستگان فولاد در قائمشهر نیز برای پیگیری مطالبات خود تجمع داشتند.

در این روز همچنین کامیون داران شهری روستای گلمنجان واقع در ۲۰ کیلومتری شرق اصفهان در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل و مشکلات کاری و معیشتی خود تجمع کردند.

روز دهم مرداد ماه نیز کارگران شرکت "گلف اجنسی ایران" در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد و حق بیمه خود وسط نازل حقوقها در محوطه شرکت گلف اجنسی ایران (زیر مجموعه هولدینگ آتیه صبا) تجمع کردند. این شرکت بیش از ۲۱ سال است که کار تخلیه و بارگیری کالا در سازمان منطقه ویژه بندار و دریانوردی استان خوزستان را به عهده دارد.

آخرین خبر مربوط به شرکت شیوا عاملی راد نماینده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در دهمین کنگره جهانی آموزش بین الملل در بوتس آیرس، آرژانتین است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در این کنگره نمایندگان از ۱۷۸ کشور به نمایندگی از ۳۲ میلیون عضو این اتحادیه در سراسر جهان شرکت داشتند و خانم شیوا عاملی راد به نمایندگی از شورای هماهنگی تشکلهای صنفی در این گردهمایی جهانی شرکت میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۴ مرداد ۱۴۰۳، ۴ اوت ۲۰۲۴

خشمگین از نابسامانی زندگی اش در مقابل باربری "اهورا" در ماهشهر در نزدیکی بندر خمینی دست به خودکشی زد. فشار معیشتی، گرمای سوزان جهنمی تابستان زندگی را برای مردم بشدت طاقت فرساده کرده است. خوزستان یک کانون داغ اعتراضات است. فریاد اعتراض بازنشستگان با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" صدای به جان آمده همه مردم است. برای مقابله با چنین رویدادهای ناگواری باید این روند اعتراضی را گسترش داد.

- اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت از جمله در مراکز در خوزستان بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران، در ۱۲۳ شرکت نفت و گاز ادامه دارد و کارگران بر تداوم اعتصاب خود تا رسیدن به نتیجه تاکید دارند.

- روند گرمای هوا در ایران دو برابر متوسط جهان است و شاهد افزایش قابل ملاحظه دمای هوا در نواحی جنوبی کشور، از جمله استان خوزستان هستیم. قطعی برق نیز بر مشکل گرمای سوزان تابستانی افزوده است و مردم بدون هیچگونه امکانات سرمایشی زیر فشار سخت هستند. (۱۲ مرداد ۱۴۰۳، ۲ اوت ۲۰۲۴).

امروز یکشنبه ۱۴ مرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، تهران، اهواز و کرمانشاه به روال هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی به همراهی بازنشستگان کشوری و معابر مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند. در این تجمع اعتراضی یکی از بازنشستگان با سوال اینکه چرا مردم روز به روز به لبه ی گودال نابودی و فروپاشی اجتماعی نزدیکتر می شوند و هزاران چراغهای دیگر که باید حکومت در مقابل آن پاسخگو باشد، پیرامون معضلات جامعه و زندگی اسفناک بازنشستگان و مردم سخن گفت. بازنشستگان کرمانشاه شعار میدادند: "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "ریاضت، فلاکت، تحمیل شده به ملت"، "فریاد فریاد از اینهمه بیداد"، "بی برقی تابستان، بی گازی زمستان، ننگان، ننگان"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "روسی رو رها کن، فکری به حال ما کن"، و "معیشت، درمان، نابودتر از هر زمان". بازنشستگان در کرمانشاه یک الگوی زیبا از اتحاد و همبستگی بخش های مختلف بازنشستگان هستند.

بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش تجمع خود را در اعتراض به فقر و نداری، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز و حداقلی، تبعیض و ستم و نابرابری و در اعتراض به حکم صادره برای شریفه محمدی اعلام کرده و در این روز علیرغم گرمای سوزان تابستانی از کرخه و هفت تپه و شوش گرد آمده و پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع اعتراضی علی نجاتی کارگر بازنشسته از سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در باره وضعیت بد معیشتی بازنشستگان و در اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی سخنرانی کرد. یک موضوع دیگر اعتراض بازنشستگان شوش در این تجمع پرداخت ۲۵۰ میلیارد تومان از سرمایه صندوقهای بازنشستگی جهت اربعین و همزمان بی پاسخ ماندن مطالبات بازنشستگان بود. خواست بازنشستگان بازگرداندن این پول به صندوق آنها و بازگرداندن امتیاز بیمارستان ملکی است. بازنشستگان با بنر بیمارستان نداریم اعتراض خود را به محرومیت از اولیه ترین امکانات زیستی اعلام داشتند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شوش شعار میدادند: "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار"، "گو مهار تورم دروغ نگین به مردم"، حسین حسین

از صفحه ۱۴

از خوزستان خبر میرسد...

گرفته اند. تاکنون دادگاهی برای رسیدگی به اتهامات این افراد برگزار نشده و همچنان بلا تکلیف هستند.

شنبه ۶ مرداد: کارگران شرکت امدی اف خوانسار شوش در اعتراض به بیکار شدن از کار به علت چپاولگریهای مدیران و عدم تامین برق برای ادامه کار تولید، تجمع کردند.

- صدها کارگر اخراجی فولاد شادگان خوزستان در اعتراض به اخراجها و با خواست بازگشت به کار خود دست به تجمع زدند.

- کارگران اخراجی گروه ملی فولاد مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران در پی اعتصاب اسفند ماه ۱۴۰۲ مجتمع فولاد برای اجرای طبقه بندی مشاغل و سایر مطالباتشان، از طرف مدیرعامل علی محمدی اخراج شده بودند و با وجود برکناری علی محمدی و روی کار آمدن مدیرعامل جدید هنوز حکم اخراج آنها لغو نشده است.

جمعه ۵ مرداد: یک راننده تریلی اهل استان کردستان به دلیل مشکلات معیشتی و

شریفه محمدی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد از شریفه و کارگران زندانی حمایت کردند.

"زنان مبارز و انقلابی کردستان" نیز در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن احکام بغی برای شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری اعلام کرده‌اند که ما زنان آزاده و مبارز کردستان صدور حکم ناعادلانه و غیر انسانی بغی (اعدام) برای شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری را شدیداً محکوم کرده و خواهان لغو سریع آنها هستیم. از عموم مردم معترض، از کارگران و فعالین کارگری، از زنان معترض، جوانان و دانشجویان و همه مردم آزاده می‌خواهیم در برابر احکام شنیع و ضد انسانی اعدام‌ها که در حقیقت قتل عمد حکومتی است ساکت نشینند و برای لغو احکام اعدام و آزادی بی قید و شرط شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری و سایر محکومین به اعدام بایستیم و صدای آنها باشیم. طناب دار و اعدام و سرکوب ضامن بقای حکومت‌های استبدادی نبوده و نخواهد بود."

در شهر گوتبرگ سوئد روز ۱۴ مرداد تجمعی علیه اعدام‌ها در ایران صورت گرفت. تجمع کنندگان پوسترهای متعددی از شریفه محمدی در دست داشتند، مجازات اعدام، این قتل عمد حکومتی و احکام اعدام علیه شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و سایر احکام اعدام را شدیداً محکوم کردند.

از طرف تعداد قابل توجهی از دانشجویان در سراسر ایران، فراخوانی علیه اعدام‌ها منتشر شده و از احزاب، تشکله‌ها و فعالین در خارج کشور خواسته شده که روزهای ۱۰ و ۱۱ اوت (۲۰ و ۲۱ مرداد) در سراسر جهان دست به تجمع بزنند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، کارزار جهانی علیه اعدام، شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران و برخی دیگر از تشکله‌ها نیز فراخوان‌های مشابهی برای تجمعات در سراسر جهان علیه اعدام منتشر کرده‌اند.

لازم به توضیح است که ۳۷ زندانی سیاسی زن در زندان لاکان رشت که در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی و علیه سایر احکام دست به تحصن زده بودند ممنوع‌الملاقات شده‌اند. زندانیان سیاسی مرد در زندان لاکان رشت به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام‌ها پیوستند و بدین ترتیب تعداد زندان‌هایی که در سه‌شنبه‌های اعتراض شرکت دارند به ۱۹ رسید. زنده باد جنبش علیه اعدام

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

تجمعات اعتراضی سراسری بازنشستگان مخبریات در شهرهای مختلف

امروز پانزدهم مرداد ماه بازنشستگان مخبریات برای پیگیری مطالباتشان همچون هفته‌های گذشته در شهرهای مختلفی تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، ارومیه، اصفهان، اردبیل، زنجان، سنندج، تهران، میوان، اهواز، تبریز، همدان و بندرعباس برگزار شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان با شعار نه آفتاب نه گرما نیست جلودار ما بر عزم خود برای پیگیری مطالبات تاکید کردند. در اصفهان بازنشستگان معترض شعار میدادند: "مدیر بی لیاقت ننگت باد ننگت باد"، "تبعیض ظالمانه بسه تو این زمانه". اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی، تبعیض و نابرابریها، بساط اختلاسها و دزدیها و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان مخبریات بعلاوه به چپاولگریهای ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد تعاون سپاه و مدیران مخبریات و عدم اجرای آئین نامه مصوب سال ۸۹ که میتواند بهبودی در سطح درآمد آنها ایجاد کند و بروز نشدن کمک هزینه‌های رفاهی در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و ادامه آن در سال ۱۴۰۳ معترضند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۱۰:

کارزار حمایت از شریفه محمدی، پخشان عزیزی و سایر محکومین به اعدام

۳۱ سازمان مدافع حقوق بشر از ایران و کشورهای دیگر به حکم اعدام علیه شریفه محمدی اعتراض کرده و خواهان لغو فوری و بی‌قید و شرط کلیه اتهامات وارده بر او شدند. در این بیانیه از مقامات جمهوری اسلامی خواسته شده که به آزار و اذیت سیستماتیک زنان مدافع حقوق بشر پایان داده و از صدور احکام اعدام خودداری کنند. در این بیانیه از همه فمینیست‌ها و زنان مدافع حقوق بشر و سازمان‌هایشان در سراسر جهان، بویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، خواسته شده که در همسبستگی با شریفه از مقامات جمهوری اسلامی بخواهند:

- فوراً و بدون قید و شرط حکم اعدام شریفه محمدی را ملغی و سایر اتهامات علیه او را لغو کنند.
- به آزار و اذیت سیستماتیک زنان مدافع حقوق بشر پایان دهند.
- به استفاده از مجازات اعدام که اغلب برای ایجاد رعب و وحشت در میان مخالفان حکومت است پایان دهند.

پنج تشکل کارگری، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، بیدارزنی، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان در بیانیه مشترکی در روز ۱۳ مرداد تحت عنوان "به یاری شریفه محمدی، پخشان عزیزی و سایر محکومین به اعدام برخیزیم" ضمن اشاره به پرونده سازی جعلی علیه شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری نوشته‌اند: "فشارهای حکومت و قوه قضائیه، علیه فعالان کارگری و مدنی، البته تنها به این موارد محدود نمی‌شود. این فشارها به ویژه بعد از جنبش "زن، زندگی، آزادی" تشدید شده به مراحل حادثری رسیده است. تا آن جا که فقط طی چند هفته اخیر تعدادی از فعالین حقوق زنان، در استان گیلان را که برای احقاق حقوق زنان، تلاش و فعالیت می‌کردند بازداشت کرده و به حبس‌های طولانی مدت (در مجموع به ۶۰ سال زندان) محکوم نمودند. صدور حکم اعدام برای پخشان عزیزی، پس از محکومیت شریفه محمدی و انتساب اتهام بغی به وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری تلاشی است از جانب حکومت و قوه قضائیه، برای تشدید فشار علیه کارگران، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان، ملت‌های تحت ستم و خانواده‌های دادخواه که سال‌هاست از راه‌های گوناگون دنبال شده و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. در واقع حکومت و قوه قضائیه در صددند تا برای ایجاد فضای ترس و وحشت در جامعه و در بین فعالین، همچنان جان‌های بیشتری را بگیرند و انسان‌های زیاده‌تری را قربانی کنند. ما ضمن محکوم کردن احکام ناعادلانه و بغایت ظالمانه اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی، خواهان نقض احکام غیرانسانی اعدام این عزیزان و آزادی هرچه سریع‌تر آنها از زندان می‌باشیم. آنها جان‌شان در معرض خطر جدی است. به هر طریق که می‌توانیم صدایشان باشیم و به یاری آنها بشتابیم. انجمن قلم فرانسه با حمایت از «جنبش زن، زندگی، آزادی» خواستار لغو حکم اعدام پخشان عزیزی روزنامه‌نگار و فعال مدنی زندانی در ایران شد. این انجمن ضمن اشاره به زندانیان سیاسی، به ویژه روزنامه‌نگاران زندانی در ایران خواستار لغو اعدام و آزادی پخشان عزیزی شد که در هفته‌های اخیر پس از شریفه محمدی، فعال کارگری زندانی، به اتهام «بغی» (به اعدام محکوم شده است).

بازنشستگان کرمانشاه روز ۱۴ مرداد با شعارهای: شریفه محمدی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، از شریفه محمدی و معلمان زندانی حمایت کردند. روز یکشنبه ۱۴ مرداد علی نجاتی کارگر بازنشسته نیشکر هفت‌تپه در تجمع بازنشستگان علیه حکم شریفه محمدی سخنرانی کرد کرد و بازنشستگان با شعار

ما خواهان برگزاری فوری تجمعات اعتراضی خارج کشور در حمایت از
#شریفه_محمدی، #پخشان_عزیزی، #نسیم_غلامی_سیمیاری
و #وریشه_مرادی هستیم؛ باید با پیشبرد سراسری اعتراضات، فشار
همه جانبه علیه جمهوری اسلامی را افزایش دهیم!



بیانیه مشترک تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور: ما خواهان برگزاری فوری تجمعات اعتراضی خارج

کشور در حمایت از شریفه محمدی، پخشان عزیزی، نسیم غلامی سیمیاری و وریشه مرادی هستیم؛ باید با پیشبرد سراسری اعتراضات، فشار همه جانبه علیه جمهوری اسلامی را افزایش دهیم!

آزادی‌خواه، نهادها و گروه‌های حقوق بشری، احزاب و سازمان‌های سیاسی درخواست داریم که تجمعات اعتراضی در شهر خود را برای شنبه ۲۰ مرداد و یکشنبه ۲۱ مرداد (برابر با ۱۰ و ۱۱ اوت

طی روزها و هفته‌های گذشته، جمهوری اسلامی با اتهام واهی بغی (مبارزه مسلحانه علیه حاکمیت اسلامی)، برای دو زندانی سیاسی زن یعنی #شریفه_محمدی و #پخشان_عزیزی حکم اعدام صادر کرده است. به علاوه همین اتهام برای #نسیم_غلامی_سیمیاری و #وریشه_مرادی نیز طرح شده است که می‌تواند منجر به صدور حکم اعدام برای آنان نیز بشود.

- آگست)، در راستای مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از #شریفه_محمدی، #پخشان_عزیزی، #نسیم_غلامی_سیمیاری، #وریشه_مرادی و سایر محکومین به اعدام در خیابان‌های سراسر دنیا با حضور خود عملی کنند.

این رویکرد حکومت جمهوری اسلامی، سطح متفاوتی از سرکوب است که سایه اعدام را روی سر تمام فعالینی قرار می‌دهد که در حال ایستادگی برابر این شرایط ضدانسانی و اسفناکی هستند که بر جامعه ایران تحمیل شده.

ما تا سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، تا نابودی حکومت اعدامی و آپارتاید جنسی-جنسیتی و پیروزی انقلاب «زن زندگی آزادی» همانطور که فعالین زن زندان اوین فریاد زده‌اند: «ایستاده و هم‌پیمان» هستیم.

ما تجربه مثبت ایستادگی برابر صدور حکم اعدام برای توماج عزیزمان را داشته‌ایم و آنرا با فشار اعتراضات در داخل و خارج از کشور لغو کردیم، ما تجربه مبارزه و ایستادگی‌های فراوانی را کنار یکدیگر داریم و با حضور شما گروه‌ها، فعالین، تشکل‌ها، نهادها، احزاب و سازمان‌های سیاسی مردمی و سرنگونی طلب و ایرانیان آزادیخواه در خیابان‌های جهان، تحمیل فشار به حکومت اسلامی را دیده‌ایم و روحیه گرفته‌ایم.

امضاها:

از این رو لازم است این فشار و اعتراض سراسری را حفظ کنیم و همچنان بر طبل انقلاب «زن زندگی آزادی» بکوبیم و گوش مرتجعین و جلادان را خراش بدهیم.

- تشکل دانشجویان پیشرو - تشکل آزاداندیشان جندی‌شاپور - نهاد آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال - انجمن دانشجویان آزادی‌خواه دانشگاه بهشتی - کمیته سراسری دانشجویان کردستان - تشکل خبرنگار خواجه نصیر - نهاد دانشجویان آزاد خوراسگان - اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهراء - تشکل دانشجویی اندیشه (دانشجویان تهران) - اتحاد دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

ما نباید به جمهوری اسلامی اجازه بدهیم که اعدام، این قتل عمد و سازمان‌یافته حکومتی برای حذف مخالفین را عادی‌سازی، فراگیر و اجرایی کند. حمله جمهوری اسلامی مشخصاً به فعالین زن در جنبش‌های اعتراضی، در ادامه #جنگ_علیه_زنان و جنگ علیه تمام جامعه ایران است.

ما نیز باید قویا اعلام کنیم که این مبارزه و اعتراضات را ادامه خواهیم داد. جنگ ما در جریان انقلاب «زن زندگی آزادی» علیه حکومت ضدزن، ضدزندگی و ضدآزادی را باید با سازماندهی وسیع اعتراضات در داخل و خارج کشور ادامه بدهیم. به همین اعتبار، ما از همه گروه‌های انقلاب «زن زندگی آزادی» و فعالین و ایران

بر اساس اخبار منتشرشده پرستاران بیمارستان کوثر استان البرز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود و بی پاسخ ماندن مطالبات خود برای دومین روز دست به اعتصاب زدند. پرستاران بیمارستان امام علی کرج نیز در اعتراض به عدم واریز حقوق و بی برنامه‌گی این بیمارستان برای سومین روز متوالی وارد اعتصاب شدند.

تجمع کارگران کارخانه واگن پارس، پرستاران و کشاورزان خوراسگان



«واگن پارس»، وابسته به گروه صنعتی «مپنا» است، که عمده ی سهام آن متعلق به وزارت نیرو و آستان قدس رضوی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۲ مرداد ۱۴۰۳، ۲ اوت ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی کشاورزان خوراسگان اصفهان با خواست حقابه و بازگشایی آب رودخانه زاینده رود ادامه دارد. کشاورزان در حالیکه تراکتورهایشان را در کنار هم پارک کرده اند، برای چندمین روز در میدان این شهر تجمع کردند. گرمای تابستانی و بی آبی، محصولات و معیشت کشاورزان را به خطر انداخته است. در گرمسار نیز کشاورزان بخاطر بی آبی دست به اعتراض زدند.

روز ۱۱ مرداد کارگران کارخانه ی «واگن پارس» در اعتراض به کارکرد «مرتضی ملانژاد»، مدیرعامل فاسد این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زده و با فریاد «ملانژاد، حیا کن! کارخونه رو رها کن!» فریاد اعتراضشان را بلند کردند. شرکت



پنج نهاد کارگری-اجتماعی در بیانیه ای به تاریخ سیزدهم مرداد ماه تحت عنوان «به یاری شریفه محمدی، پخشان عزیزی و سایر محکومین به اعدام برخیزیم» صدور احکام اعدام و سرکوبگریهای حکومت را محکوم کردند. امضا کنندگان این بیانیه عبارتند از: سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، بیدارزنی، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای

کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری. کارگران بازنشسته خوزستان. (از مدیای اجتماعی)

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!



کرج، زندان خرم آباد، زندان خوی، زندان نقده، زندان سقز، زندان تبریز، زندان مشهد، زندان قائم شهر، زندان اردبیل، زندان کامیاران، زندان میوان، زندان سلماس، زندان ارومیه، زندان بانه، زندان نظام شیراز و لاکان رشت دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

در سه شنبه ۹ مرداد هشت تن از زنان محبوس در زندان لاکان رشت ضمن اعلام همبستگی با کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام به طور ویژه، نسبت به احکام اعدام برای شریفه محمدی که هم اکنون در زندان لاکان

رشت محبوس است و پخش‌های عزیزی اعتراض خود را ابراز داشتند، لازم به توضیح است که در زندان لاکان رشت ۱۴ نفر در معرض اجرای حکم اعدام قرار دارند. در این روز زنان زندانی سیاسی-عقیدتی زندان اوین در ادامه اعتراض به صدور حکم اعدام پخش‌های عزیزی، با سه‌شنبه‌های "نه به اعدام" همراه شدند و در اعتصاب غذا شرکت کردند. این زندانیان اعلام کردند: حکم اعدام ایستاده‌ایم تا پایان

به سه شنبه‌های طوفانی در شبکه ایکس (توییتر) پیوندید!

گسترش اعدام‌ها، انتقام سخت حکومت از انقلاب زن زندگی آزادی است. در دو هفته اخیر در هر ۵ ساعت یک انسان را به قتل حکومتی اعدام سپرده‌اند.

چهار زن مبارز شریفه محمدی پخش‌های عزیزی و ریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری توسط پیدادگاه‌های حکومت اسلامی به حکم شنیع "بغی" متهم شده‌اند. شریفه محمدی و پخش‌های عزیزی در طول سه هفته گذشته در دادگاه بدوی به اعدام محکوم شدند. ریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری نیز سال قبل به همین حکم متهم شدند و این خطر وجود دارد که آنها نیز به اعدام محکوم شوند. صدها جوان در زندانهای حکومت با حکم اعدام، لحظه‌های زندگی را می‌شمارند. زندانیان سیاسی، از پشت میله‌های زندان با تحصن و اعتصاب غذا در #سه‌شنبه‌های_نه_به_اعدام، بر علیه قتل حکومتی مبارزه می‌کنند. خشم ما #دادخواهان و همه مردمی که سالهاست زخم کشتار و اعدام و قتل خیابانی عزیزانمان را بر تن داریم از قدرت حاکمان فاسد و جنایتکار بزرگتر است.

در روزهایی که سی و ششمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی #تابستان_خونین ۶۷ که به بزرگترین جنایت علیه بشریت بعد از جنگ جهانی دوم لقب گرفته است، همراه با زندانیان سیاسی، به کارزار سه شنبه‌های علیه اعدام پیوندیدم. هر سه شنبه با طوفان توییتری (شبکه ایکس) #نه_به_اعدام را به پرچم جهان انسانیت بدل کنیم.

در هر تجمع و گردهمایی علیه اعدام‌ها، این چماق سرکوب و ارباب، فریاد بزنیم بر همه دیوارهای شهر، نه به اعدام را بنویسیم. کارزار #نه_به_اعدام امر مشترک همه ما مردم است که برای زندگی مبارزه می‌کنیم. دادخواهان-۶ مرداد ۱۴۰۳ روز سه شنبه ۹ مرداد طوفان استوری #نه_به_اعدام با همراهی خانواده‌های دادخواه و مردم معترض به حکم شنیع اعدام در همراهی با #سه‌شنبه‌های_نه_به_اعدام یکصدا #نه_به_اعدام را فریاد زد.

مادران قهرمان و دادخواه سنندج! پرچم علیه اعدام را بدست گرفتند.

روز هفتم مرداد ماه جمعی از مادران دادخواه سنندج جهت محکوم کردن حکم ناروا اعدام دو فعال مدنی و کارگری " #پخش‌های_عزیزی و #شریفه_محمدی" دور هم جمع شده و خواستار توقف حکم اعدام این عزیزان شدند.

سه شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام

پیوستن زندانیان زندان شیراز به کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

طبق اعلام کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، زندانیان محبوس در زندان نظام شیراز نیز در بیست و هفتمین هفته، به این کارزار پیوستند. در بیانیه‌ای که از سوی این کارزار منتشر شده، آمده است:

با سرعت گرفتن ماشین سرکوب و اعدام در هفته گذشته، شاهد اعدام ده‌ها زندانی سیاسی، عقیدتی و عمومی در زندانهای سراسر کشور بودیم، در این میان زندانی عقیدتی-سیاسی کامران شیخه بعد از ۱۵ سال زندان و شکنجه اعدام شد.

کامران و ۶ هم‌پرونده دیگر او در روند دادرسی مبهم و غیرعادلانه ۱۴ سال پیش به اتهام قتل یک روحانی نزدیک به حکومت به اعدام محکوم شده بودند.

در هفته گذشته همچنین سه زندانی عقیدتی کرد اهل بوکان به اسامی سلیمان ادهمی، حسین خسروی و هیوا نوری بدون برخورداری از حقوق اولیه و دادرسی عادلانه و در روندی مبهم در دادگاه انقلاب ارومیه به اتهام حکومت ساخته "بغی" متهم شدند؛ این اتهام و روند پر از اشکال دادرسی این زندانیان نگرانی‌ها در خصوص احتمال صدور حکم غیرانسانی اعدام برای آن‌ها را در پی داشت.

در طول هفته گذشته نیز زندانی سیاسی پخش‌های عزیزی در بی‌دادگاه انقلاب تهران شعبه ۲۶ محکوم به اعدام گردید، و شاهد تحصن و اعتراض زندانیان زن در زندان اوین و دیگر زندانها به این احکام بودیم و حالا تمام بند زنان اوین، شامل زندانیان سیاسی و عقیدتی، اعلام نموده‌اند که با سه‌شنبه‌های نه به اعدام همراه شده و در اعتصاب غذا خواهند بود.

صدور حکم اعدام برای پخش‌های عزیزی بعد از شریفه محمدی و انتساب اتهام بغی به نسیم غلامی سیمیری و ریشه مرادی ادامه سرکوب و ستم مضاعف علیه زنان و برای ایجاد رعب و وحشت و ادامه جنگ علیه زنان است.

صدور و اجرای این احکام ضد انسانی و نقض حقوق بشر و به ویژه "حق حیات" در زندان‌های جمهوری اسلامی که شاهد گسترش آن هستیم، در حالی است که در آخرین گزارش آقای جاوید رحمان "گزارشگر ویژه حقوق بشر در مورد ایران"، جمهوری اسلامی بابت کشتارهای خودسرانه در دهه شصت و سال ۶۷، به جنایت علیه بشریت و نسل کشی محکوم شده و این گزارشگر سازمان ملل در آخرین گزارش خود خواستار محاکمه عاملان آن شده بود.

"کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام" که بنا بر اطلاع منابع موثق شماری از زندانیان در "زندان نظام" شیراز نیز به آن پیوسته‌اند، این هفته به ۱۷ زندان در سراسر کشور گسترش یافته که شامل زندانیان با اتهامات مختلف و هدفش لغو اعدام و شکنجه است و این سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ نیز در اعتراض به گسترش اعدامها در زندانهای اوین(بندزنان، بند ۴، بند ۶، بند ۸)، زندان قزلحصار (بند ۳ و بند ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان خرم آباد، زندان خوی، زندان نقده، زندان سقز، زندان تبریز، زندان مشهد، زندان قائم شهر، زندان اردبیل، زندان کامیاران، زندان میوان، زندان سلماس، زندان ارومیه، زندان بانه و زندان نظام شیراز دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

زندانهای اعتصابی از تمامی فعالان سیاسی، حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی می‌خواهند برای لغو اعدام و شکنجه و احکام ضدانسانی تلاش کنند و صدای زندانیان اعتصابی باشند. سه‌شنبه ۹ مرداد ماه ۱۴۰۳

سه شنبه‌های اعتراض علیه اعدام که بیش از ۶ ماه است در اعتراض به اعدامها در ایران جریان دارد در سه‌شنبه گذشته دامنه اش به شانزده شهر کشیده شد. این هفته زندان شیراز و لاکان رشت نیز به لیست اضافه شد و لیست آنها عبارتند از:

اوین(بندزنان، بند ۴، بند ۶، بند ۸)، زندان قزلحصار (بند ۳ و بند ۴)، زندان مرکزی